



زبان انگلیسی کنکور

پرہام سہدی

WWW.EMKAN.APP





این مجموعه همراه تدریس ویدیویی دوره
آموزشی سامانه امکان می باشد و به تنهایی
قابل استفاده و بهینه نمی باشد

مروری بر گرامر دوره اول متوسطه





اجزای کلام
اسم
ضمیر
صفت
فعل
قید
حرف اضافه
کلمه ی ربط
حرف ندا

اسم

اسم کلمه ای است که برای قرارداد روی اشخاص، اشیاء، حیوانات، اماکن، ایده ها و اتفاقات و رخدادها می گذاریم تا در یک مکالمه، دو طرف بتوانند منظورشان را به یکدیگر بفهمانند.

Tom Hanks is very versatile.

Dogs can be extremely cute.

It is my birthday.

ضمایر

ضمیر در جایگاه و به جای اسم می نشیند. اسم می تواند در جمله جایگاه فاعل، مفعول، یا توضیحات فاعل بشیند، و ضمیر که جایگزین اسم می شود نیز می تواند در این سه جایگاه بشیند.

Ehsan and his sister gave Ali and Saman some money.

They gave them some money





Personal Pronouns ۱- ضمائر شخصی

ضمایر شخصی، ضمایری هستند که در درجه اول و در مفهوم گرامری به یک شخص معین مربوط می‌شوند. ضمایر شخصی خود به دو دسته فاعلی و مفعولی تقسیم می‌گردند.

Subject Pronouns الف- ضمائر فاعلی:

ضمائر فاعلی بعنوان فاعل در جمله استفاده می‌شوند.

I	من
you	تو
She	او
He	او
it	آن
we	ما
you	شما
they	آن‌ها

They should stop being lazy
I wrote a letter to my mum
It smells really bad
She never drinks tea





Object Pronouns: ب- ضمائر مفعولی

ضمائر مفعولی در جایگاه مفعول قرار می گیرند.

John really likes him
I saw her in the mall

me	من را، به من
you	تو را، به تو
him	او را، به او
her	او را، به او
it	آن را، به آن
us	ما را، به ما
you	شما را، به شما
them	آن ها را، به آن ها

The storm ruined their house. The police told them to leave everything behind.

Sara told him a story.
My mother gave us a nice shirt.





ساختار های ملکی

ساختار ملکی وقتی به کار می رود که بخواهیم نشان دهیم چیزی یا کسی متعلق به شخصی است. در زبان فارسی به این ترکیب ها ترکیب اضافی یا مضاف و مضاف الیه می گویند. در زبان انگلیسی برای نشان دادن مالکیت اسامی "مفرد" از ساختار S استفاده می کنیم که از حرف S به علاوه علامت (') که به آن apostrophe گفته می شود، ساخته می شود.

در فارسی مالکیت اسامی را با حرف کسره () یا (ی) نشان می دهیم.

That is Ali's book

آن کتاب علی است

برای نشان دادن مالکیت اسامی "جمع" که حرف آخرشان S باشد، از ساختار S' استفاده می کنیم که از حرف S به علاوه علامت (') که آن را apostrophe می نامند، ساخته می شود.

اما سایر اسامی جمع که آخرشان S نباشد از S' استفاده می کنیم.

This is my parents' house

Those are ladies' shoes

برای نشان دادن مالکیت اسامی "جمع" که حرف آخرشان S باشد، از ساختار S' استفاده می کنیم که از حرف S به علاوه علامت (') که آن را apostrophe می نامند، ساخته می شود.

اما سایر اسامی جمع که آخرشان S نباشد از S' استفاده می کنیم.

This is my parents' house

Those are ladies' shoes





ضمایر ملکی Possessive Pronouns ضمایری هستند که مالکیت را نشان می‌دهند. تفاوت ضمایر ملکی با صفات ملکی در این است که صفت، همیشه قبل از اسم می‌آید ولی ضمیر ملکی به تنهایی جانشین اسم می‌شود و دیگر لازم نیست بعد از آن یک اسم بیاید.

در فارسی این ضمایر معادل ندارند و به صورت (مال من، مال تو، مال او، مال ما، مال شما، مال آنها) ترجمه می‌شوند.

mine	مال من
yours	مال تو
his	مال او
hers	مال او
its	مال آن
ours	مال ما
yours	مال شما
theirs	مال آن ها

The cars were theirs
ماشین ها مال آن ها بودند
That flower is mine
آن گل مال من است





صفات ملکی possessives adjectives مالکیت یک اسم را نشان می دهند و همیشه قبل از اسم می آیند. این صفات نشان می دهد که چه چیزی به چه کسی تعلق دارد. در زبان فارسی این صفت توسط شناسه ها یعنی (مَ، تَ، شَ، مانَ، تانَ، شانَ) یا حرف کسره قبل از ضمائر من، تو، او، ما، شما، آنها ترجمه می شوند. تفاوت ضمائر ملکی با صفات ملکی در این است که صفت، همیشه قبل از اسم می آید ولی ضمیر ملکی به تنهایی جانشین اسم می شود و دیگر لازم نیست بعد از آن یک اسم بیاید.

my	اول شخص مفرد
your	دوم شخص مفرد
his	سوم شخص مفرد
her	سوم شخص مفرد
its	سوم شخص مفرد
our	اول شخص جمع
your	دوم شخص جمع
their	سوم شخص جمع

pilots. Our ambition was to become
بلند پروازی و هدف ما این بود که خلبان شویم
That is my flower
آن گل من است





افعال واژه‌هایی هستند که نشان‌دهنده حالت و چگونگی وقوع عملی هستند.

در زبان انگلیسی افعال از لحاظ گرامری حالاتی خاص به خود می‌گیرند که هر کدام خصوصیات خود را دارند.

۱. شکل ساده فعل. این حالت شکل طبیعی فعل است و هیچ نشانه خاصی ندارد. به مثال‌ها توجه کنید:

کار کردن work

بازی کردن play

گوش کردن listen

این شکل افعال در زمان حال ساده استفاده می‌شود. در این حالت در سوم شخص مفرد به اضافه می‌کنیم. این حالت از معدود حالت‌های صرف شدن افعال در انگلیسی es یا s فعل است.

این حالت افعال که در فارسی به آن "اسم مصدر" ing یا مصدر با gerund ۲. حالت می‌گوییم برای ساخت زمان‌های استمراری استفاده می‌شود. در این حالت در انگلیسی به اضافه می‌کنیم و در فارسی به انتهای بن ماضی ـن اضافه می‌کنیم. به ing هر فعلی مثال‌های زیر توجه کنید:

کار کردن working

بازی کردن playing

گوش کردن listening





۳. شکل گذشته افعال که خود به دو حالت تقسیم می‌شود. افعال باقاعده که به به آخر افعال ساخته می‌شود و -ed صورت معمول و با قاعده با اضافه کردن افعال بی‌قاعده که باید شکل گذشته آنها را به خاطر سپرد. به مثال‌های زیر توجه کنید:

worked
played
saw
listened
ate

که در فارسی به آن اسم مفعول هم p.p.۴. شکل سوم افعال یا به صورت خلاصه گفته می‌شود. شکل سوم افعال باقاعده و بی‌قاعده هستند. شکل سوم باقاعده به به آخر افعال ساخته می‌شود. شکل سوم بی‌قاعده -ed صورت معمول با اضافه کردن افعال را باید به خاطر سپرد. به مثال‌های زیر توجه کنید:

worked
played
seen
Eaten





به شکل ساده فعل to که با اضافه کردن to infinitive یا to. شکل مصدر با درست می‌شود. این حالت افعال بدون زمان و بدون شخص هستند و تنها معنای فعل را می‌رسانند. به مثال‌های زیر توجه کنید:

to work
to play
to listen

تعریف ساختار معکوس

ساختارهای معکوس در موقعیت‌های مختلفی در گرامر انگلیسی مورد استفاده قرار می‌گیرند. ساختار معکوس یعنی قرار دادن فعل قبل از فاعل.

جمله معمولی و نرمال

You are happy.

جمله سوالی:

Are you happy?

این ساده‌ترین نوع ساختار معکوس می‌باشد.

در بسیاری از زمان‌های انگلیسی به هنگام تبدیل و معکوس کردن جمله، مثل مثال‌های بالا، ما فقط فعل را قبل از فاعل قرار می‌دهیم. اگر بیش از یک فعل داشته باشیم، مثلاً فعل اصلی که یک فعل کمکی را به همراه داشته باشد، ما فقط فعل اول را تغییر می‌دهیم.

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





I will play football
Will I play football?

I can sing a song
Can I sing a song?

He has played basketball
Has he played basketball?

در زبان انگلیسی، افعالی هستند که برای سوالاتی auxiliary verbs افعال کمکی کردن، منفی کردن، ساختن زمان های خاص و حالت مجهول به جمله اضافه می هر یک از این افعال ممکن است will, have, do, be شوند. این افعال عبارتند از شکل ساده یا گذشته داشته باشند که کاربردی مختص به خود دارد.

what, when, where, who, در زبان انگلیسی عبارتند از wh کلمه های غیر از سوالات بله/خیر که بدون واژه پرسشی ساخته how و which, why می شوند، تمام سوالات در زبان انگلیسی با این واژه ها ساخته می شوند.

What: چه چیزی

Where: کجا

When: چه زمانی

Who: چه کسی

Why: چرا

How: چگونه، چه طور

Which: کدام

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





ابتدا باید جمله خبری را به پرسشی wh برای ساختن جمله پرسشی با واژه‌های تبدیل کنیم، یعنی جای فاعل و فعل (کمکی) را عوض می‌کنیم. بعد قسمتی از جمله که می‌خواهیم درباره‌اش سوال بپرسیم را حذف می‌کنیم و در نهایت واژه پرسشی مورد نظر را در ابتدای جمله می‌آوریم

.....+ فعل اصلی + فاعل + فعل کمکی + Wh

What do you think about the movie?

Where do you live?

When will the meeting start?

Why is he crying?

Who do you love the most in your family?

Whom did you see in the morning?

Whose books are these?

Which one do you choose? The left or right?

How can you explain this problem?

زمان ها

زمان گذشته ی ساده:

Sam played football

سامانه امکان ؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





به انتهای شکل ساده به افعال گذشته تبدیل -ed بیشتر افعال انگلیسی با اضافه کردن می‌شوند. این نوع افعال، افعال باقاعده محسوب می‌شوند. برخی افعال نیز بدون قاعده خاصی به صورت گذشته در می‌آیند، این افعال بی‌قاعده هستند و باید آنها را حفظ کرد.

Verb	Past simple
be	was/were
become	became
bleed	bled
break	broke
bring	brought
build	built
buy	bought
choose	chose
come	came

cut	cut
do	did
draw	drew
drink	drank
drive	drove
eat	ate
fall	fell
feed	fed
feel	felt
find	found
forget	forgot

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





get	got
give	gave
go	went
have	had
hear	heard
hit	hit
hurt	hurt
keep	kept
know	knew
leave	left

lose	lost
make	made
meet	met
pay	paid
put	put
read	read /red
ride	rode
run	ran
say	said

سامانه امکان : آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





see	saw
set	set
sell	sold
send	sent
sing	sang
sit	sat
sleep	slept

Ali broke his leg yesterday

علی دیروز پایش را شکست

Mohsen saw his best friend last summer

محسن تابستان پارسال دوستش را ملاقات کرد

قیود رایج زمان گذشته

Yesterday, last year/week,, two days ago, last night

استفاده می‌کنیم. did برای سوالی کردن جملات گذشته ساده، از فعل کمکی

Did Ali break his leg yesterday?

قرار بدهیم بعد از آن فاعل و بعد فعل را به صورت ساده Did باید ابتدای جمله می‌گوییم.

Did Mohsen see his best friend last summer?





ساختار منفی

Ali did not break his leg

علی پایش را نشکست

Mohsen didn't see his best friend last summer.

محسن تابستان سال گذشته بهترین دوستش را ملاقات نکرد

زمان حال ساده

در زبان انگلیسی برای نشان دادن عملی که در زمان حال یک بار از زمان حال ساده یا چند بار به صورت تکراری اتفاق می افتد استفاده می کنیم. . برای صحبت کردن درباره حقایق علمی. برای صحبت کردن درباره چیزهایی که در حال حاضر حقیقت دارند، به عبارتی دیگر درباره حقایق هستند.

I am 20 years old

من بیست ساله هستم

Human body contains about 200 bones

بدن انسان شامل حدود ۲۰۰ استخوان است

ساختار حال ساده

فعل در زمان حال ساده در زبان انگلیسی شکل اصلی فعل است. در همه شخص ها به غیر از سوم شخص مفرد فعل به صورت ساده می آید. در حالت سوم شخص مفرد، به خود می گیرد. es یا S شکل ساده افعال

She works in London. She usually goes to work at 7.a.m

او معمولا ساعت ۷ سر کار می رود. او در لندن کار می کند

I read a book every week.

من هر هفته یک کتاب می خوانم

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





سوالی کردن

استفاده does و do برای سوالی کردن جملات حال ساده، از افعال کمکی do و برای سایر ضمائر از he, she, it برای سوم شخص مفرد does می‌کنیم. از استفاده می‌کنیم.

Does she play the piano?

Do they work here?

قیود رایج:

Every day/week/...., usually/sometimes/always....

نیز به when و why و what و where برای سوالی کردن با واژه‌های پرسشی پرسشی کنیم، باید wh نیاز داریم. اگر بخواهیم با واژه‌های does و do فعل کمکی به سوالی تبدیل کنیم، بعد قسمتی از do/does ابتدا جمله خبری را با فعل کمکی جمله را که می‌خواهیم درباره‌اش سوال کنیم حذف می‌کنیم و واژه پرسشی مورد نظر را در ابتدای جمله قرار می‌دهیم.

What do they do when they are alone?

When does she leave school?

زمان حال استمراری

مهم ترین کاربرد زمان حال استمراری اشاره به عملی است که همین حالا در حال انجام است.

فاعل+am/is/are+-ing

I am reading a book right now

من الان دارم کتاب می‌خوانم

They are playing in the yard

آن‌ها دارند در حیاط بازی می‌کنند

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





برای صحبت کردن درباره چیزی که تغییر می کند، رشد می کند یا بهتر می شود هم از حال استمراری استفاده می شود.

The children are growing quickly

بچه ها دارند به سرعت رشد می کنند

The climate is changing rapidly

آب و هوا دارد به سرعت تغییر می کند

برای صحبت کردن درباره اعمالی که بارها و بارها تکرار می شوند. معمولا در این کاربرد استفاده می کنیم. always از قید

It is always raining in London

در لندن همیشه دارد باران می بارد

They are always fighting

آن ها همواره دارند می جنگند

ساختار مخفف و منفی

they're talking on the phone

I'm watching a movie right now

It's raining outside

It's not raining outside/It isn't raining outside

They're not talking on the phone/They aren't talking on the phone

I'm not watching a movie right now

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





قید حالت

قیده‌های حالت به ما می‌گویند چیزی چطور اتفاق افتاده است.

ly کلمات زیادی در این گروه قرار می‌گیرند، از جمله قیدهایی که اغلب با اضافه کردن به آخر یک صفت ساخته می‌شوند.

ساخته شده است. دو beautiful قیدی است که از صفت beautifully برای مثال، قید جمله زیر معنی یکسانی دارند، اما در اولی از یک صفت و در دومی از یک قید استفاده شده است.

She has a beautiful voice

She sings beautifully

قید زمان

قیده‌های زمان به ما زمان انجام چیزی را بیان می‌کنند و اینکه آن عمل چه مدت طول کشیده است.

این قیدها در زبان انگلیسی رایج هستند و مکان آن‌ها در جمله سراسر است و ساده است.





مکان در جمله: انتهای جمله

در بیشتر موارد، قید زمان در انتهای جمله قرار می گیرد.

برای مثال:

I have been cycling to work for two years / since last May

He arrived yesterday / last week / in February of 2015

مکان در جمله: ابتدای جمله

اگر گوینده بخواهد روی زمان انجام فعل یا عمل تاکید کند، قید زمان در ابتدای جمله یا عبارت قیدی قرار می گیرد.

با هم مثال زیر را تجزیه و تحلیل می کنیم:

Last week, I went to the dentist for an annual check-up, and
now my wisdom tooth is sore.

Yesterday, they finally found the dead body.

قید تکرار

به شنونده می گویند عملی چقدر annually یا weekly، daily قیدهای تکرار مثل تکرار می شوند.

مکان در جمله: قبل از فعل اصلی و بعد از فعل کمکی
you should always get up early in the morning

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app



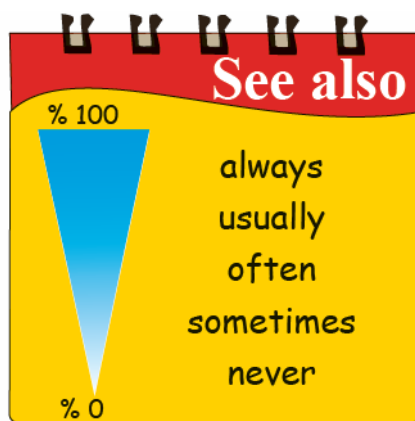


استثنا: در ابتدای جمله

اگر گوینده بخواهد روی دفعات تکرار یک عمل تاکید کند، قیده‌های تکراری مثل
می توانند در ابتدای جمله هم قرار **every day each year, یا twice a week**
بگیرند.

برای مثال:

Every day she comes to work late
Twice a week he runs 10 kilometers



They never come late.
She always studies hard.
I always wake up at 5:30.
He often plays outside.

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





قید مکان

here، everywhere، nearby، around، outside قیده‌های مکان مثل
در انتهای جمله یا عبارت قیدی قرار می‌گیرند. قید بعد از فعل there یا
اصلی یا مفعول فعل اصلی می‌آید.

به مثال‌های زیر دقت کنید:

The children like to play outside
I'll see you around
We are planning a vacation nearby

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





گرامر

گرامر درس ۱ دهم (و معرف ها اسم) will , going to

مدرس: پرهام سعدی



1. will و going to آشنایی با تفاوت های (کاربردها)
2. will و going to تشخیص *شواهد* جمله و به تبع آن استفاده ی درست از
3. درک تفاوت های حروف تعریف و توانایی استفاده ی درست از هر کدام

آینده ی ساده

می باشد will و going to دو کاربرد اصلی برای اشاره به زمان آینده استفاده از

I, you, he, she, we, they + will + فعل ساده



I will play

من بازی خواهم کرد

You will play

تو بازی خواهی کرد

They'll play

آن ها بازی خواهند کرد

They won't play

آن ها بازی نخواهند کرد

He/she will play و او بازی خواهد کرد



سامانه امکان: آموزش مجازی گنگور

www.Emkan.app





فعل ساده + to be going to + I, you, he, she, it, we, you, they



I am going to play
You are going to play
They're going to play
They aren't going to play
He/she is going to play و.....

کاربرد ها

- برای بیان تصمیم به انجام کاری در آینده استفاده می شود که این **will** از تصمیم در لحظه گرفته شده است
- برای بیان تصمیم به انجام کاری در آینده استفاده می شود که این **going to** از تصمیم ناشی از یک برنامه ریزی قبلی است

Will یا going to؟

A)

Timmy is going to donate some money to the charity

Timmy will donate some money to the charity

B)

I will meet my mom at the airport

I am going to meet my mom at the airport

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور





کلید تشخیص:

تصمیم گیری لحظه ای یا برنامه ریزی شده؟

A)

We are go to the football match. I have bought tickets

B)

!There is somebody at the door

I.....open it.

C)

I visit my doctor at six

D)

-Why did you buy sugar?

-Icook some cake for tonight

E)

-Why are you here?

-I.....play with my friends

F)

I have built this device because I.....to climb a mountain.






کاربرد ها

- برای حدس زدن یا پیش بینی اتفاقات آینده بر اساس نظر و حس **will** از شخصی استفاده می کنیم (شواهد قابل رویتی در لحظه ی صحبت وجود ندارد)
- برای پیش بینی اتفاقات آینده بر اساس شواهد و قرائن موجود در **going to** زمان حال استفاده می کنیم.

حدس و نظر شخصی یا بر اساس شواهد؟

- A)
Slow down! You are going too fast. We Have an accident.
- B)
Call his office number. He be there.
- C)
Don't worry! I think it.....be OK!

می توانند نشانه I think/imagine/believe/hope... عباراتی مثل
هایی برای بیان نظر شخصی باشند  نکته





D) Oh my god! Look how terrible she feels. I think shebe ill.

E)
She was driving too fast. I thought she.....have an accident but she didn't.

F)
-look at the sky! I have never seen such clouds. It to rain

-Look at the sky! It will rain.

برای پیش بینی موضوعی بر will به شرط وجود یک قید می توانیم از اساس شواهد موجود استفاده کرد.



برای صحبت از برنامه ریزی های شخصی و قطعی (مثل قرار ویزیت دکتر و) می توانیم از حال استمراری نیز برای بیان آینده استفاده کنیم. در این کاربرد جز در موارد خاص باید قید زمان ذکر کنیم.

1

I am visiting my doctor on Saturday

وقتی جمله ی مرکب داریم، در جمله ای که بلافاصله بعد از حروف ربط before, after, when, while, if می آید، نباید از will زمان دادن زمان آینده استفاده کنیم.

2

The yard will seem empty when I cut the tree(....NOT when I will cut the tree)





A) I plan to study harder when I..... my grades.

- 1) receive 2) am going to receive
3) Will receive 4) am receiving

در اینگونه سوالات حال ساده را ترجیح می دهیم.



B)

-What is your plan for tomorrow?

-I.....my therapist on Monday

- 1) will visited 2) am visiting
3) visited 4) would visit

اسم و معرف های اسم

تقسیم بندی های اسم:

الف) شمارش

ب) عام یا خاص بودن:

اسم خاص..... اسم خاص بر شیئی یا شخص خاصی دلالت می کند.

Eiffel tower

Iran

Everest

اسم عام..... اسم عام همه ی افراد یا اشیا هم جنس و هم نوع را شامل می شود.

Girl

tree

mountain





اسم عام مفرد را تنها نمی آوریم.

معرف های اسم

: حروف تعریف

The معین.....

a,an نامعین.....

صفات: صفات اسامی را از نظر داشتن یک ویژگی توصیف می کنند.

She is a tall girl

Sam thinks his brother is rude

صفات اشاره

نزدیک مفرد: this (این)

This book

نزدیک جمع: these (این)

These books

دور مفرد: that (آن)

That tree

دور جمع: those (آن)

Those trees

سامانه امکان ؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





اعداد

two,fifth,.....

Three apples
The second floor

صفات ملکی

My your his her its our their

My book
Your hat

حروف اضافه

In,on,at,for,after,through,.....

They will visit some beautiful cities in iran

وابسته های پیشرو

All,few,both,many,.....

You can eat a few apples if you want

سامانه امکان ؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkana.app





کاربردهای حروف تعرف نامعین

۱. وقتی برای اولین بار از چیزی صحبتی به میان می آوریم و آن چیز خاص نیست.

A thief was arrested yesterday near our house

۲. قبل از مشاغل، معرفی افراد و

Tara is going to be a doctor in the future

۳. اشاره به اعضای یک گروه و دسته با اشاره به آن اسم

A whale is bigger than a cow



حروف تعریف نامعین متناسب با نحوه ی تلفظ حرف اول کلمه ی مورد نظر به کار می روند.

(a,e,I,o,u اگر اسمی با یکی از حروف صدادار)

استفاده می کنیم. an غیر ملفوظ شروع بشود از h یا



An honest man

An apple

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





کاربرد های حرف تعریف معین

1 قبل از اسمی نشان دهنده The معرفه سازی. در واقع آمدن ی آگاهی شنونده از آن اسم است.

I was shopping when I suddenly saw a dog. The dog was running after a cat.

2 وقتی می خواهیم درباره اسمی منحصر به فرد صحبت کنیم.

The moon

The world

3 only قبل از اعداد ترتیبی، صفات عالی و کلمه ی

The only place, The tallest girl, The first pioneer

حالات جمع اسامی با قاعده

به آخر اسم مفردشان s- اکثر کلمات انگلیسی با اضافه کردن جمع بسته می شوند.

Cat: Cats ,book: books,....

جمع بسته شود. وقتی es- ممکن است کلمه ای با علامت جمع ختم شده باشد. sh,s,z,x,ch که اسم به

Dish: dishes, box: boxes

ختم شود، حالت جمع به شکل fe یا f در حالتی که اسم به خواهد شد. -ves

Knife: Knives, shelf: shelves





حالات جمع اسامی بی قاعدہ

Man:Men

Foot:Feet

Woman:Women

Tooth:Teeth

Child:Children

Mouse:Mice

Sheep:Sheep

Fish:Fish

Person:People/Persons



A)I'll send you..... SMS containing some important information of.....rest of the crew.

1)a-... 2)an-the 3)the-a 4)an-....

B)There are eight.....in the shelf.....second one is about history

1)book-.....

2)books-the

3)books-....

Book-the

سامانہ امکان ؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





گرامر درس ۲ دهم (صفات و مقایسه ی موصوف ها از نظر صفت)

مدرس: پرهام سعدی



توانایی تشخیص صفات با توجه به قراین (افعال اسنادی و ...)
توانایی مقایسه ی درست بین موصوف ها از نظر صفت (به کار بردن صحیح
ساختارهای مقایسه ای: برابری، تفضیلی، عالی)
به کار بردن ترتیب صحیح صفات

آشنایی با صفت و افعال ربطی

صفت کلمه ای است که اسمی را توصیف می کند.
This is a beautiful flower این یک گل زیبا است

جایگاه صفت در زبان انگلیسی

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





Become شدن	Feel احساس کردن	Smell بو دادن	Be بودن	Get شدن
Look به نظر رسیدن	Seem به نظر رسیدن	Remain ماندن	Grow شدن	Stay ماندن
Taste مزه دادن	Sound به نظر رسیدن	Go شدن		

A) Her face became pale when she saw the dead body

B) The children feel warm under the sunny sky.

C) The dinner smells wonderful

D) She is pretty

E) She gets happy everytime

F) It looks delicious

G) He seems tense





I)She grew stronger everyday

J)Tom stayed awake until his mother came back

K)This sandwich tastes amazing

L)It sounds creepy

M)Mr Ahmadi went bankrupt



A)He tasted the food.....

1)careful 2)carefully 3)cares 4)cared

چنانچه فعل جمله اسنادی نباشد یا در معنایی جز معنای اسنادی اش
بیاید از قید حالت استفاده می کنیم نه صفت.



B)Did you find it.....?

1)Useful 2)usefully 3)use 4)used

ساختار (to)find+something+adjective را به خاطر داشته باشیم





The children feel warm under the sunny sky.

(‘Feel’ here connects the predicate adjective ‘warm’ with the subject ‘children’ giving more information about the subject. So, it is a linking verb.)

The children feel the warm rays of the sun.

(‘Feels’ here is an action. Although you can’t see the action, the direct object ‘rays of the sun’ receives the action.)

C) Due to hislack of confidence, he has been veryup to this point.

- 1) completely-vulnerable
- 2) complete-vulnerably
- 3) completely-vulnerably
- 4) complete-vulnerable

ترتیب صفات قبل از اسم

اسم	کاربرد	جنس	ملیت	رنگ	شکل	سن	اندازه	کیفیت	تعداد
-----	--------	-----	------	-----	-----	----	--------	-------	-------

- A) A beautiful large wooden table



- B) Some old Victorian kitchen knives

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





A) A.....girl was talking to his teacher.

- 1) Shy young tall 2) tall shy young
3) Shy tall young 4) young tall shy



عمدتاً در سوالات این بخش، صفات موجود در گزینه ها یکسان است و فقط ترتیب آن ها تفاوت دارد پس اول صفات را می نویسیم و بر اساس «عکاس شرم جک» مرتب می کنیم.



مقایسه ی صفات (روابط موصوف ها از نظر صفات)

(۱) **برابری**

برای تبیین برابری یک صفت بین موصوف های مختلف



فاعل + فعل + as + صفت + as + فاعل



I am as smart as my brother

من به اندازه ی برادرم با هوشم

She is as tall as that boy

او به اندازه ی آن پسر بلند است

سامانه امکان ؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





۲) برتر (تفضیلی)

سم از سارا سن بیش تری دارد Sam is older **than** Sara
 من از او صبورتر هستم I am **more** patient **than** him
 فکر کنم آن درخت بلند تر است I think that tree is **taller**
 ۳) برترین (عالی)



Maryam is **the smartest** student
 مریم باهوش ترین دانش آموز است
 He is **the most** famous man in the world
 او مشهورترین مرد در جهان است



صفات کوتاه

الف) صفات یک بخشی
 cold-hot-cheap-hot-tall,.....
 دارند (ب) صفات دو بخشی که آخرشان
 pretty-happy-easy-funny,....



صفات بلند

الف) صفات چند بخشی
 interested-expensive,....
 دارند (ب) صفات یک بخشی که آخرشان
 shocked-bored-tired,.....



سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





صفات کوتاه وقتی وارد ساختار تفضیل (برتری) می شوند -er می گیرند و وقتی وارد ساختار عالی (برترین) می شوند -est The... می گیرند.



صفات بلند وقتی وارد ساختار تفضیل (برتری) می شوند more می گیرند و وقتی وارد ساختار عالی (برترین) می شوند The most می گیرند.

صفت برترین	صفت برتر	صفت مطلق
		smart
		strong
		happy
		big
		difficult

صفت برترین	صفت برتر	صفت ساده
		long
		serious
		hard
		closed
		funny

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





صفاتى مانند

cruel, stupid, quiet, clever, simple, polite اصطلاحا
خنىى هستند و مى توانند وارد هر يك از ساختار هاى مذكور
بشوند.

clever:

common:

narrow:



A) let's run. I think it's.....taking a ride.

1) as quickly as 2) quicker as

3) as quick as 4) quicker

B) The modern train appeared to be going as fast
as, perhaps even faster than,.....

1) a car the fastest 2) fastest car

3) a car is the fastest 4) the fastest car

(سراسرى ۹۸)

سامانه امكان ؛ آموزش مجازى كنكور

www.Emkan.app





C) Even James couldn't make his friend
.....

1) happiest 2) happier than 3) happier 4) happily

بعد از صفت برتر اگر طرف دوم مقایسه را ذکر نکنیم
هم نداریم. **than** نیازی به

D) The exercise didn't seem as easy..... I
thought it would be.

1) that 2) that 3) from 4) as

(سراسری تجربی ۹۹)

صفات بی قاعده

صفت ساده	صفت برتری	صفت برترین
good	better	The best
bad	worse	The worst
much/many	more	The most
little(amount)	less	The least
far	farther further	The farthest The furthest

سامانه امکان : آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





A) She speaks French.....I do, but Ali speaks.....of all of us

- 1) as well as-better 2) better-the best
3) as well as-the best 4) as good as-better than

B) My house is From our school than Monica's house but Keifh's house is.....

- 1) farther-farthest 2) far-furthest
3) far-farther 4) farther-the furthest

هم farther هم further می توانند مفهوم فاصله و مسافت را داشته باشند



There are no further news خبر بیش تری وجود ندارد



A) Mybrother has a house that is.....than my house

- 1) older-old 2) elder-elder
3) oldest-elder 4) eldest-older

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





older/oldest هر دو مفاهیمی مثل قدمت و سن بیش تر را می رسانند و قبل از اسم یا بعد از فعل to be می آیند اما elder/eldest فقط مفهوم بزرگ تر بودن در خانواده را مطرح می کنند و تنها قبل از اسم می آیند.

گرامر درس ۳ : زبان دهم

(ماضی استمراری، ضمایر انعکاسی)



- 1 مرور ماضی ساده
- 2 آشنایی با زمان ماضی استمراری و افعال حالت
- 3 آشنایی با ضمایر انعکاسی و کاربرد ها و معانی هر یک



زمان گذشته ساده بیانگر عملی است که در زمان معینی در گذشته شروع و تمام شده است.

I ate some sandwich last week

هفته ی گذشته کمی ساندویچ خوردم

My dog barked so loudly when he saw the cat.

سگ من وقتی گربه را دید با صدای بلند پارس کرد

سامانه امکان ؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





ماضی استمراری

کاربرد: برای صحبت از عملی که در بازه زمانی مشخصی در گذشته در حال انجام بوده است.

Susan was reading a book last night

سوزان دیشب داشت کتابی را مطالعه می کرد

It was raining heavily

دیشب باران به شدت می بارید.

was/were + -ing + فاعل

I was playing

داشتم بازی می کردم

They were shouting

داشتند داد می زدند

افعال حالت

در زبان انگلیسی برخی افعال حالت استمراری نمی گیرند. این افعال به احساسات، عواطف، فعالیت های ذهنی و اعتقادات اشاره دارند. به عبارتی فاعل کنش فیزیکی خاصی انجام نمی دهد.

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





Like/love دوست داشتن	Dislike متنفر بودن	Hate متنفر بودن
Prefer ترجیح دادن	Remember به یاد آوردن	Forget فراموش کردن
Have داشتن	Know دانستن	Understand فهمیدن
Need نیاز داشتن	Belong متعلق بودن	Feel احساس کردن
	Own داشتن	Believe معتقد بودن

A) which sentence is grammatically CORRECT?

- 1) I am not liking playing football
- 2) I was thinking about my youth days
- 3) He was remembering it all
- 4) I wasn't understanding a word he was saying

B) I.....my horse yesterday

- 1) am riding 2) ride
- 3) was riding 4) am going to ride





Look به معنی نگاه کردن و جستجو کردن می تواند در حالت استمراری استفاده شود.


I was looking at him

Have در معانی خوردن، وقت گذاری، دوش گرفتن و ... می تواند در حالت استمراری مورد استفاده قرار گیرد.

John was having a delicious dinner.

Feel در معنی حس کردن می تواند حالت استمراری داشته باشد.

He felt the bumpy surface

 **نکته** هرگاه عملی زمینه ای و کشدار در حال رخ دادن بوده باشد و عملی در این اثنا به صورت مقطعی و لحظه ای رخ دهد، عمل زمینه ای و طولانی تر با ماضی استمراری و عمل کوتاه و مقطعی با ماضی ساده بیان می شود.

مثال

While I was running ,the car passed by me.

در حالی که داشتم می دویدم آن ماشین از کنارم گذشت

When my father arrived, my sister was cooking

وقتی پدرم رسید،خواهرم داشت آشپزی می کرد

سامانه امکان ؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





در حالت بالا معمولاً بر سر فعل استمراری *while , as* و بر سر فعل ساده *when* می آید. البته *when* بر سر فعل استمراری هم می تواند بیاید.

When I was playing, I saw john.

وقتی داشتم بازی می کردم، جان را دیدم

The kid was running when it hit me

کودک داشت می دوید وقتی ناگهان (فکری) به سرم زد

می توانیم دو عمل استمراری را نیز با ساختارهای بالا به هم ربط دهیم.

While I was studying, sam was looking for his money

در حالی که داشتم درس می خواندم، سم داشت دنبال پولش می گشت

As the man was washing my car, I was chatting with my friend.

همچنان که آن مرد داشت ماشین من را می شست، من داشتم با دوستم چت می

کردم

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





A) I.....to Tehran last year. I.....there when I met him.

1) was moving-was living

2) moved-lived

3) was moving-lived

4) moved-was living

B) The lights.....out as we.....about the movie

1) went-talked

2) was going-were talking

3) went-were talking

4) Was going-talked

درس ۳ دهم

قسمت دوم: ضمائر انعکاسی و تاکیدی



ضمایر به جای اسم می نشینند و از تکرار آن ها جلوگیری می کنند.
ضمایر فاعلی، ضمایر مفعولی و ضمایر ملکی را آموخته ایم. قصد داریم به ضمایر انعکاسی و تاکیدی بپردازیم.





ضمایر ملکی Possessive Pronouns

می‌دهند. تفاوت ضمایر ملکی با صفات ملکی در این است که صفت، همیشه قبل از اسم می‌آید ولی ضمیر ملکی به تنهایی جانشین اسم می‌شود و دیگر لازم نیست بعد از آن یک اسم بیاید.
در فارسی این ضمایر معادل ندارند و به صورت (مال من، مال تو، مال او، مال ما، مال شما، مال آنها) ترجمه می‌شوند.

-Is that Sam's book?

-No, it is mine

mine	مال من
yours	مال تو
his	مال او
hers	مال او
its	مال آن
ours	مال ما
yours	مال شما
theirs	مال آن‌ها





ضمائر فاعلی: Subject Pronouns

ضمائر فاعلی بعنوان فاعل در جمله استفاده می شوند.

I	من
you	تو
She	او
He	او
it	آن
we	ما
you	شما
they	آن ها

I will never trust that coward again

من هرگز دوباره به آن بزدل اعتماد نخواهم کرد

The man had a car accident. He is badly injured

آن مرد تصادف کرد. او به شدت آسیب دیده است

ضمائر مفعولی: Object Pronouns

ضمائر مفعولی در جایگاه مفعول قرار می گیرند.

John really likes him

جان واقعا او را دوست دارد

I saw her in the mall

من او را در بازار دیدم

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





me	من را، به من
you	تو را، به تو
him	او را، به او
her	او را، به او
it	آن را، به آن
us	ما را، به ما
you	شما را، به شما
them	آن ها را، به آن ها

ضمائر تاکیدی و انعکاسی

مفرد	جمع
خودم Myself	خودمان ourselves
خودت Yourself	خودتان yourselves
خودش Himself	خودشان themselves
خودش Herself	
خودش Itself	





کاربرد انعکاسی: وقتی فاعل و مفعول جمله یکسان هستند جای مفعول می آیند.

جایگاه

الف) بعد از فعل

I'll order myself a pizza یک پیتزار برای خودش سفارش

داد


She cut herself peeling oranges. او دست خودش را موقع پوست

کندن پرتقال برید.

ب) بعد از حرف اضافه

I'll order a pizza for myself.

Jerry talks to himself a lot.

نکته  بعد از حرف اضافه مکان یا حرف اضافه ای که مجاورت و همراهی را می رساند
از ضمائر مفعولی استفاده می کنند و نه انعکاسی

مثال 

She took the dog with her (NOT she took the dog with herself)

He had his daughter beside him

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app



کاربرد تاکیدي: اين ضمير جايگزين فاعل يا مفعول نيستند بلکه براي تاکيد به کار مي روند

جايگاه

الف) بعد از فاعل

I myself saw the thief

من خودم دزد را

ديدم

They themselves ruined the project

آن ها خودشان پروژه را خراب

کردند

ب) بعد از مفعول

She saw me herself

او خودش مرا

ديد

They ruined the project themselves

آن ها خودشان پروژه را خراب

کردند



A) Ali's book is amazing. Do you think he wrote it.....?

1)his 2)by himself 3)he 4)him

ضمير انعكاسي اگر با by همراه باشند به معنای «به تنهائي، تك و تنها»



هستند

B) Shima's sisters bought the pencils

1)them 2)themselves 3)herself 4)by herself



ضمير انعكاسي و تاکيدي بايد با مرجع خود از لحاظ تعداد و جنس

مطابقت داشته باشند



گرامر درس ۴ دهم

(افعال وجهی، حروف اضافه، قید حالت)



۱. آشنایی با افعال وجهی و تسلط بر کاربرد های هر کدام
۲. تسلط بر کاربرد های حروف اضافه ی مختلف
۳. شناسایی قید های حالت و توانایی حل تست های ترکیبی این بخش با مبحث صفات

افعال وجهی (modals)

فعل های وجهی در زبان انگلیسی همراه با افعال اصلی می آیند و برای بیان توانایی ها، الزامات، احتمالات، تقاضاها، پیشنهادها، توصیه ها، پیش بینی ها، حدس ها و ... استفاده می شوند. فعل های وجهی از نظر شخص صرف نمی شوند و همیشه به یک صورت به کار می روند.

ساختار ... + فعل اصلی به صورت ساده + can / may / should / must + فاعل

I **can** hear you quite well.

I **should** learn Spanish.

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





1.can

مثال:

I can take care of myself.

منفی:

I cannot take care of myself.

سؤالی:

Can you take care of yourself?

پاسخ کوتاه:

Yes, I can. - No, I cannot.

مخفف:

cannot → can't

کاربرد های can

۱. بیان توانایی انجام کاری در زمان حال یا آینده



I can speak two languages.

من می توانم به دو زبان صحبت کنم

۲. بیان درخواست



Can you open the door for me, please? می شود لطفا در را برای من باز کنید؟

۳. اجازه دادن یا اجازه گرفتن



Can I sit in that chair please?

می شود (اجازه دارم) روی این میز بنشینم لطفا؟

You can play outside if you like.

اگر دوست داری می توانی بیرون بازی کنی





2.May

مثال:

He may come home tomorrow.

منفی:

He may not come home tomorrow.

سؤالی:

May he come home tomorrow?

پاسخ کوتاه:

Yes he may No he may not

مخفف:

may و may not حالت مخفف ندارند. به عبارتی mayn't نداریم.

کاربرد های may

۱. اجازه گرفتن / اجازه دادن



می شود (اجازه هست) ماشین را قرض بگیرم؟ May I borrow the car tomorrow?

اگر بخواهی می توانی ساعت ۱۱ بیایی. You may come at eleven if you wish.

۲. بیان امکان و احتمال انجام کاری در حال یا آینده



جک ممکن است (احتمال دارد) که برای دیدنمان بیاید. Jack may come to see us.





3.must

مثال:

You must leave.

منفی:

You must not leave.

سؤالی:

Must you leave?

پاسخ کوتاه:

-Yes, you must. -No, you must not.

مخفف:

- must not → mustn't

4.should

مثال:

She should visit a doctor.

منفی:

She should not visit a doctor.

سؤالی:

Should she visit a doctor?

پاسخ کوتاه:

Yes, she should. - No. she should not.

مخفف:

-should not → shouldn't





کاربردهای must و should

مهم ترین کاربرد must بیان اجبار و ضرورت در زمان حال و آینده است.

Employees must obey the rules کارمندان باید از قوانین پیروی کنند
I must finish my job before Saturday باید کارم را قبل از شنبه تمام کنم

کاربرد should بیان توصیه، نصیحت و نوعی اجبار ضعیف است.

You should study harder باید (بهتر است) بیش تر درس بخوانی
Should travelers protect nature? آیا مسافران باید از طبیعت مراقبت کنند؟



A) You visit Milad tower when you come to Tehran. It is amazing.

1) may 2) must 3) will 4) should

B)

-Who is at the door?

-it must be my father.

1) should 2) may 3) will 4) must

C) I understand Spanish so when I talk to him, I use body language.

1) can't 2) may not 3) should not 4) must not

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





حروف اضافه

I حروف اضافه ی زمان

in (الف)

کاربرد ها:

سه بخش اصلی روز:

in the morning / in the afternoon/in the evening

برای ماه، فصل، سال، قرن، دهه:

in May/ in (the) summer/ in 2022/in the 20th century/in the 1990s ...

کاربردهای دیگر:

in the past / in the future/ in Norooz, ...

on (ب)

کاربرد ها:

قبل از روز های هفته:

on Monday, on Sunday, on Friday...

قبل از تاریخ معین:

on November 22nd, on May 16nd, ...

قبل از بخشی از روز:

on Tuesday afternoon / on Saturday morning,...

قبل از روزهای خاص:

on my birthday / on New Year's Eve, ...

به همراه holiday و vacation به معنای "در تعطیلات":

on holiday/on vacation

شما ممکن است به "on the weekend" هم برخورد کنید

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور





ج) at

قبل از زمان های خاص:

at sunset/at sunrise/at the moment

ظهر/شب:

at noon/at midday/at midnight/at night

قبل از ساعت:

at 7.30 a.m. / at 5 o'clock, ...

قبل از تعطیلات خاص:

at Christmas

زمان صرف غذا:

at lunch/at dinner time

شما ممکن است به ترکیب "at the weekend" هم برخورد کنید

حروف اضافه ی مکان

2

الف) in

قبل از شهرها و کشورها و قاره ها:

in Tehran/in Beirut/in Iran/in Asia

درون چیزی محصور، درون جایی:

in the car/in the world/in the mirror/in my pocket

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





on (ب)

روی چیزی (در تماس فیزیکی با آن):

on the table/on the beach

در سمت چپ یا راست:

on the left/on the right

در طبقه ای از ساختمان:

on the first floor

در وسایل نقلیه ی بزرگ:

on the plane/on the train

در صفحه ای از کتاب:

on page 5

در رادیو و تلویزیون:

on the radio/on the TV

برای اشاره به اسم خیابان ها به طور کلی:

on Rezaei street

at (ج)

در محلی با کاربرد خاص:

at home/at the university/at the cinema

پشت میز:

at the table

در مهمانی:

At the party

برای اشاره به یک خیابان همراه با پلاک:

On 63 north street

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





in front of (د)

جلوی،مقابل

In front of the TV

next to/beside/by (ه)

کنار/در مجاورت

by the house/next to the table

behind (و)

پشت

Be hind the door

under (ز)

زیر

under the table

over (ح)

بالای (بدون تماس فیزیکی)

over the building



A)The famous athlete was born in a small townSeptember 12th,1988.

1)on 2)at 3)in 4)for

(سراسری انسانی ۹۹)

B)Sara went to the mall.....yesterday evening.

1)in 2)... 3)on 4)at



در کنار "yesterday/this/tomorrow/next/last" از حرف

اضافه استفاده نمی کنیم

C)Where does Saman live?

He lives.....number 50,.....Bu'Ali street.

1)at-at 2)at-on 3)on-on 4)in-at

سامانه امکان : آموزش مجازی کنکور





قید های حالت

یک قید اطلاعاتی درباره ی فعل می دهد. برخی قیود درباره ی "چگونگی" انجام فعل توضیحاتی می دهند که قید حالت نام دارند. اکثر قید های حالت در انتهای خود -ly دارند.

It is an easy language.
language easily.

We can learn this

Bahar is a careful driver.

She drives carefully.

The woman was happy.

She spoke happily.



- 1. Nastaran puts her books neatly inside the desk.
- 2. My uncle painted my room nicely.
- 3. The firefighters went into the burning house bravely.
- 4. She looked at the child and asked politely: "what's your name?"
- 5. The students were waiting patiently for the bus.
- 6. Soheil never talks to his parents rudely.





چگونگی ساخت افعال حالت

اکثر قیود حالت با افزودن ly به آخر صفت ساخته می شوند.

quick.....quickly polite.....politely



صفت هایی که به y ختم می شوند به ily تغییر می کنند.

angry.....angrily easy.....easily

صفت هایی که به ble ختم می شوند به bly تغییر می کنند.

possible.....possibly probable.....probably

گرامر درس ۱ یازدهم (انواع اسم از نظر شمار، اعداد، اجزای جمله)



- (1) آشنایی با اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش وابسته های پیشرو
- (2) نکاتی در باره اعداد
- (3) ترتیب اجزا جمله

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





اسم

ویژگی های اسمی قابل شمارش و غیر قابل شمارش

اسمی قابل شمارش

۱. مستقیماً می توانند جمع بسته شوند.

۲. تعداد مشخص دارند.



three beautiful flowers / a huge building

اسمی قابل شمارش

جانور ها، انسان ها، گیاهان، یک سری اشیا جامد

شهر ها و کشور ها

اتفاقات و رویداد ها

واحد ها و ممیز ها

.....





اسامی غیر قابل شمارش

۱. به تنهایی قابل شمارش نیستند و برای شمارش آن ها باید " واحد " شمارش به کار ببریم.

۲. این اسامی بیانگر مقدار هستند.

۳. این اسامی خودشان همراه با حروف تعریف نامعین و علائم جمع به کار نمی روند.

مهمترین و پر کاربرد ترین اسامی غیر قابل شمارش

Water, oil, tea, milk, smoke, blood, juice	مایعات گازی
Cake, paper, meat, cheese, spaghetti	جامدات
Sugar, salt, rice, grass	ذرات و دانه ها
French, Italian, English	زبان ها
Shopping, diving, studying	فعالیت ها
History, science, medicine	رشته های تحصیلی و عناوین درس ها
Homework, money, traffic	اسامی که به یک مجموعه اشاره دارند
education, advice, information, news, grammar, music, space, health, time	اسامی انتزاعی غیر قابل لمس





مهمترین و پرکاربردترین اسامی غیر قابل شمارش

A bag of	Rice, sugar,...
A bottle of	Water, milk,...
A cup of	Tea, coffee,...
A piece of	Cake, paper,...
A glass of	Water, juice,...
A slice of	Watermelon, banana, bread, cheese, meat,...
A kilo of	Meat, rice,...
A loaf of	Bread
A drop of	blood



A) I bought Yesterday.

1. Three kilo of rices
2. Two bags of rice
3. Five pieces of rice
4. Three bag of rice

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





1. هنگام جمع بستن واحدها اسامی غیر قابل شمارش را جمع نمی بندیم
2. واحدها قابل شمارش هستند و برای جمع بستن اسامی غیر قابل شمارش در واقع واحد های کل را جمع می بندیم.
3. اسامی بعد از اعداد جمع بسته می شوند.

B) Arnold drinks after gym

1. Three bottle of water.
2. Some waters
3. A kilo of water
4. Three bottles of water



وابسته های پیشرو

وابسته های پیشرو قبل از اسم قرار می گیرند و توصیفی در باره اسم ارائه می دهند (مقدار، تعداد و ...)

خواندیم: حروف تعریف، صفات ملکی، کلمات اشاره و برخی کلمات مثل some, any, other, ... وابسته های پیشرو هستند.

نکته مهم در این بخش آشنایی با جایگاه و کاربرد وابسته های some, much, few, lots of, a lot of می باشد.





الف: وابسته های پیشرو که فقط با اسامی قابل شمارش به کار می روند: **many, few, a few**

مثال

I have many friends

من دوستان زیادی دارم

There are only a few apples left

فقط تعدادی سیب باقی مانده است

ب: وابسته های پیشرو که فقط با اسامی غیر قابل شمارش به کار می روند: **a little, less, little, much**

مثال

There was little tension yesterday

دیروز تنش کمی وجود داشت

Hurry up! We don't have much time

عجله کن! زمان زیادی نداریم



پ: وابسته های پیشرو مشترک بین دو گروه

a lot of, some, lots of, any

I have a lot of friends

من دوستان زیادی دارم

I have some useful information

مقداری اطلاعات ارزشمند دارم

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





A lot of, lots of: زیاد، مقدار زیاد، تعداد زیاد



Lots of apples

تعداد زیادی سیب، یک عالمه سیب

A lot of information

مقدار زیادی اطلاعات

some را وقتی به کار می بریم که بخواهیم به مقدار یا تعداد چیزی بدون ذکر عدد یا مقدار دقیق آن اشاره کنیم:

We need some apples for this cake.



به مقداری (چندتایی) سیب نیاز داریم

-any: به معنای «هیچ/هیچی» قبل از اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش می آید و در جملات منفی و سؤالی کاربرد دارد.

-He didn't need **any** tips on the traditional art.

-**Any** **idea** what that means?

-any: به معنای «هر» قبل از اسامی مفرد قابل شمارش و در جملات مثبت می آید.

- "You may choose **any** **subject** that you like best," said the teacher.

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





Few, a few: کم، تعداد کم

الف) Few: مفهومی منفی به جمله می دهد (کم و ناکافی)



There are few apples left in the fridge

تعداد کمی (کم ولی ناکافی) سیب در یخچال مانده

ب) A few: مفهوم مثبت تری دارد (کم ولی کافی)



There are a few apples in the fridge

یک چند تایی، کمی (کم ولی کافی) سیب در یخچال مانده

Little , a little: کم، مقدار کم

الف) Little: مفهوم منفی به جمله می دهد (کم و ناکافی).

مثال:

Hurry up, there is little time

عجله کن، زمان کمی (کم و ناکافی) داریم.

ب) A little: مفهومی مثبت به جمله می دهد (کم ولی کافی)

Don't rush, we have a little time.

عجله نکن، کمی زمان داریم





many, much: برای پرسش از مقدار و تعداد اسمی به کار می رود
How much: برای پرسش از مقدار یک اسم غیر قابل شمارش مورد استفاده قرار می گیرد.



How much news did you yet.

چه قدر خبر به دست آوردی؟

How many: برای پرسش از تعداد یک اسم قابل شمارش مورد استفاده قرار می گیرد.



How many books has Nitcher written.

نیچه چند کتاب نوشته است؟

May I havemore tea please?

1) little 2) a little 3) many 4) few

How.....of bread do you want?

1) many loaf 2) much loaf

3) many loaves 4) many bars

He drinksmilk; two bottles a day.

1) a lot 2) many

3) few 4) much





اسامی قابل شمارش همراه با فعل مفرد به کار می روند.

مثال

Money is an important factor for a good life

پول یک عامل مهم برای زندگی خوب است.

News is what this channel always shows

اخبار تنها چیزی است که این شبکه پخش میکند

برای پرسش در باره قیمت از how much استفاده می کنیم.

مثال:

How much are these flowers? این گل ها چقدر قیمت دارند؟

استفاده از much برای جملات مثبت نادر است. در این گونه موارد از lots of , a lot of استفاده می کنیم.

مثال:

I drank a lot of coffee (not much coffee...)

من مقدار زیادی قهوه نوشیدم

نکاتی در باره اعداد

برای شمارش اعداد مرکب بین ۲۰ تا ۱۰۰ باید بین یکان و دهگان از خط تیره استفاده کنیم. مثال:

Twenty-two (not twenty two)

البته این قانون برای اعداد مرکب بزرگتر از ۱۰۰ هم صادق است.

مثال:

One hundred thirty - three

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





اسامی بعد از اعداد جمع بسته می شوند، اما خود عدد را جمع نمی بندیم.

Two hundred pens (not two hundreds pens)

برای صحبت از مفاهیم بزرگ، ارائه توضیحات جامع و کلی (مثلا صدها و هزاران، ...) اعداد را جمع می بندیم و با استفاده از of به اسم یا ضمیر متصل می کنیم.
مثال:

Thousands of cars هزاران ماشین

Millions of people میلیون ها آدم

طرز ساخت جملات خبری

ساختار جمله

قید زمان + قید مکان + قید حالت + مفعول + فعل + فاعل

فاعل: انجام دهنده فعل است و در پاسخ به سوال "چه کسی" یافت می شود.

فعل در پاسخ به سوال "چه کاری" روشن می شود.

مفعول: بخشی از جمله است که کار روی آن انجام می شود و در پاسخ به "چه

چیزی را، چه کسی را" یافت می شود.

قید حالت: قیودی مثل well, carefully, ... که نحوه ی انجام فعل را توصیف می

کنند و در پاسخ به سوال "چگونه" روشن می شود.

قید مکان: بیانگر محل انجام فعل است و در جواب به سوال "کجا" یافت می شود.

قید زمان: بیانگر زمان انجام فعل است و در جواب به سوال "چه موقع" یافت می

شود

سامانه امکان: آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





مثال

I walked three miles very fast around the park.

من هفته گذشته در اطراف پارک به سرعت سه مایل پیاده روی کردم

He made a house beautifully next to the sea last year.

او پارسال یک خانه را به زیبایی کنار دریا بنا کرد



قیدهای تکرار قیدهایی هستند که میزان تکرار فعل را نشان می دهند. این قیود معمولاً قبل از فعل اصلی، بعد از افعال کمکی یا to be و یا بین فعل اصلی و کمکی می آیند.
مثال:

He never drinks tea.

او هیچوقت چای نمی نوشد

I am always late for school.

من همواره دیر به مدرسه می رسم



She studies.....

1) Every week at school English

2) English every week at school

3) At school English every week

4) English at school every week

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





گرامر درس ۲ یازدهم (زمان حال کامل، اسم مصدر)



1. تسلط بر کاربرد های حال کامل و توانایی شناسایی حال کامل با توجه به ساختار و نشانه ها
2. تسلط بر جایگاه و کاربرد های gerund

حال کامل (ماضی نقلی)

-I **have worked** here for six months.

من به مدت شش ماه اینجا کار کرده ام

-She **has lived** here all her life.

او تمام عمرش اینجا زندگی کرده است

-I **haven't seen** her this month.

در ماه جاری او را ندیده ام



She's never seen her mother

I haven't been to Turkey yet

Has he washed the car?

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





کاربرد های اصلی حال کامل

برای بیان عملی که در گذشته انجام شده و تا زمان حال اثرش باقی است

The elevator has broken down. We have to use the ladder.

آسانسور خراب شده است. باید از نرده بام استفاده کنیم.

برای اشاره به عملی که در گذشته شروع شده و تا زمان صحبت گوینده ادامه یافته است

She has lived here all her life

او تمام عمرش اینجا زندگی کرده است (هنوز هم زندگی می کند)



I....."Serpico" three years ago

1)watched 2)have watched

3)will watch 3)watch



زمان گذشته ی ساده قیود مشخصی مثل "دیروز/ماه قبل و" دارد

سامانه امکان ؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





وقتی عملی در زمان مشخصی در گذشته رخ داده باشد ولی نتیجه و اثری قابل مشاهده و به خصوص در زمان حال نداشته باشد، از زمان ماضی ساده بهره می بریم نه حال کامل



از حال کامل برای بیان تجربیات شخصی هم استفاده می کنیم
(در واقع ماضی نقلی معادل با "من تجربه ی را دارم..." است)



They have already visited China three times

آن ها تا به حال سه بار از چین دیدن کرده اند



اگر بخواهیم اشاره کنیم که عملی به تازگی تمام شده است
از حال کامل استفاده می کنیم.



I have just finished my homework

همین الان تکالیفم را تمام کرده ام





قیود شاخک تیز کن

Since (از زمانی که)
For (برای، در طول، به مدت)



I haven't watched football since November

من از ماه نوامبر فوتبال ندیده ام

I haven't seen Samira for 10 years

من سمیرا را ۱۰ سال است که ندیده ام

Never (هرگز)
Ever (تا به حال)



I have never been late for school

من هرگز دیر به مدرسه نرسیده ام

Have you ever been to Paris?

آیا تا به حال به پاریس سفر کرده ای؟

Recently (اخیرا)



I have had a lot of troubles recently

به تازگی (اخیرا) در دسر های زیادی داشته ام

yet (هنوز)



It hasn't rained yet

هنوز باران نباریده است

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





So far (تا الان)

I have finished writing half of my books so far.

من تا الان فقط نیمی از کتاب هایم را نوشته ام



Already (قبلا، زود تر از موعد)

they've already finished their job

آن ها قبلا صبحانه شان را خورده اند

Has she done her homework?

1) yet 2) for 3) since 4) just



Yet در زمان حال کامل منفی یا پرسشی به کار می رود و معمولا آن را آخر جمله می بینیم.

..... Qorban tower when you were in Hamedan

Last winter?

1) were you visiting 2) will you visit
3) did you visit 4) have you visited

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





John has been trying to reach Sam for over 8 months. He a lot of friends but none of them have been half as loyal as Sam yet.

1)had 2)will have 3)has had 4)have

معنی	قسمت سوم	قسمت دوم	فعل	معنی	قسمت سوم	قسمت دوم	فعل
وزیدن	blown	blew	blow	بلند شدن	arisen	arose	arise
شکستن	broken	broke	break	بیدار کردن / شدن	awoken	awoke	awake
پرورش دادن	bred	bred	breed	بودن	been	was / were	be
آوردن	brought	brought	bring	حمل کردن / تحمل کردن	born(e)	bore	bear
پخش کردن	broadcast	broadcast	broadcast	زدن	beaten	beat	beat
ساختن	built	built	build	شدن	become	became	become
سوزاندن	burnt / burned	burnt / burned	burn	شروع کردن	begun	began	begin
منفجر شدن	burst	burst	burst	خم کردن / شدن	bent	bent	bend
خریدن	bought	bought	buy	شرط بستن	bet	bet	bet
گرفتن	caught	caught	catch	به هم بستن	bound	bound	Bind
انتخاب کردن	chosen	chose	choose	گاز گرفتن	bitten	bit	bite
چسبیدن	clung	clung	cling	خونریزی کردن	bled	bled	bleed

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app



معنی	قسمت سوم	قسمت دوم	فعل	معنی	قسمت سوم	قسمت دوم	فعل
احساس کردن	felt	felt	feel	آمدن	come	came	come
جنگیدن	fought	fought	fight	قیمت داشتن	cost	cost	cost
پیدا کردن	found	found	find	خزیدن	crept	crept	creep
پرواز کردن	flown	flew	fly	بریدن	cut	cut	cut
ممنوع کردن	forbidden	forbade	forbid	داد و ستد داشتن	dealt	dealt	deal
فراموش کردن	forgotten	forgot	forget	کندن	dug	dug	dig
بخشیدن	forgiven	forgave	forgive	انجام دادن	done	did	do
منجمد کردن / یخ زدن	frozen	froze	freeze	نقاشی کردن	drawn	drew	draw
تهیه کردن / شدن	gotten	got	get	خواب دیدن	dreamt / dreamed	dreamt / dreamed	dream
دادن	given	gave	give	نوشیدن	drunk	drank	drink
رفتن	gone	went	go	رانندگی کردن	driven	drove	drive
خرد کردن	ground	ground	grind	خوردن	eaten	ate	eat
رشد کردن / پرورش دادن	grown	grew	grow	افتادن	fallen	fell	fall
آویزان کردن	hung	hung	hang	غذا دادن	fed	fed	feed

معنی	قسمت سوم	قسمت دوم	فعل	معنی	قسمت سوم	قسمت دوم	فعل
قرض دادن	lent	lent	lend	داشتن	had	had	have
دراز کشیدن	lain	lay	lie (in bed)	شنیدن	heard	heard	hear
دروغ گفتن	lied	lied	lie	مخفی کردن	hidden	hid	hide
روشن کردن	lit / lighted	lit / lighted	light	زدن	hit	hit	hit
از دست دادن	lost	lost	lose	نگه داشتن / برگزار کردن	held	held	hold
درست کردن / مجبور کردن	made	made	make	صدمه زدن	hurt	hurt	hurt
ممکن بودن	...	might	may	نگهداری کردن	kept	kept	keep
معنی دادن	meant	meant	mean	زانو زدن	knelt	knelt	kneel
ملاقات کردن	met	met	meet	دانستن / شناختن	known	knew	know
چیدن	mown / moved	mowed	mow	قرار دادن	laid	laid	lay
چیره شدن	overtaken	overtook	overtake	راهنمایی کردن	led	led	lead
پرداخت کردن	paid	paid	pay	تکیه دادن / خم شدن	leant / leaned	leant / leaned	lean
قرار دادن	put	put	put	یاد گرفتن	learnt / learned	learnt / learned	learn
خواندن	read	read	read	ترک کردن	left	left	leave

معنی	قسمت سوم	قسمت دوم	فعل	معنی	قسمت سوم	قسمت دوم	فعل
شلیک کردن	shot	shot	shoot	راندن	ridden	rode	ride
نمایش دادن	shown	showed	show	زنگ زدن	rung	rang	ring
کوچک شدن	shrunk	shrank	shrink	بالا رفتن / طلوع کردن	risen	rose	rise
بستن	shut	shut	shut	دویدن	run	ran	run
آواز خواندن	sung	sang	sing	اره کردن	sawn / sawed	sawed	saw
غرق شدن	sunk	sank	sink	گفتن	said	said	say
نشستن	sat	sat	sit	دیدن	seen	saw	see
خوابیدن	slept	slept	sleep	فروختن	sold	sold	sell
سُر خودن	slid	slid	slide	فرستادن	sent	sent	send
بویدن	smelt	smelt	smell	تنظیم کردن / غروب کردن	set	set	set
بذر افشانی کردن	sown / sowed	sowed	sow	دوختن	sewn / sewed	sewed	sew
صحبت کردن	spoken	spoke	speak	لرزاندن / لرزیدن	shaken	shook	shake
هجی کردن	spelt / spelled	spelt / spelled	spell	بیرون ریختن	shed	shed	shed
خرج کردن / گذراندن	spent	spent	spend	درخشیدن	shone	shone	shine

معنی	قسمت سوم	قسمت دوم	فعل	معنی	قسمت سوم	قسمت دوم	فعل
گرفتن	taken	took	take	افشا کردن	spilt / spilled	spilt / spilled	spill
درس دادن	taught	taught	teach	ثف کردن	spat	spat	spit
پاره کردن	torn	tore	tear	گستردن/پخش شدن	spread	spread	spread
گفتن	told	told	tell	ایستادن	stood	stood	stand
فکر کردن	thought	thought	think	دزدیدن	stolen	stole	steal
پرتاب کردن	thrown	threw	throw	چسباندن / چسبیدن	stuck	stuck	stick
فهمیدن	understood	understood	understand	نیش زدن	stung	stung	sting
بیدار کردن	waken	woke	wake	بوی بد دادن	stunk	stank	stink
پوشیدن	worn	wore	wear	ضربه زدن	struck	struck	strike
گریه کردن	wept	wept	weep	قسم خوردن	sworn	swore	swear
برنده شدن	won	won	win	جارو کردن	swept	swept	sweep
کوک کردن / شدن	wound	wound	wind	باد کردن / متورم شدن	swollen / swelled	swelled	swell
نوشتن	written	wrote	write	شنا کردن	swum	swam	swim
				تاب خوردن	swung	swung	swing



gerund:

Cycling is a good exercise

Vahid enjoys cycling

جایگاه اسم مصدر

به عنوان فاعل در ابتدای جمله

-**Playing** basketball is a great way to stay in shape

-**Reading** is my favorite hobby.

-**Learning** English has improved my confidence.



اسم مصدر همیشه مفرد است. زمانی که یک اسم مصدر فاعل یک جمله است، فعل آن جمله مفرد است.

-**Writing** is an exchange of ideas.

اما وقتی که دو اسم مصدر به عنوان فاعل یک جمله قرار می گیرند، فعل آن جمله جمع است.

-**Reading** and **painting** are my favorite hobbies.





بعد از یکسری افعال به عنوان مفعول

love	دوست داشتن	keep	نگه داشتن
hate	متنفر بودن	keep on	ادامه دادن
like	دوست داشتن	prevent	جلوگیری کردن
dislike	متنفر بودن	notice	توجه کردن
stop	پایان دادن	go on	ادامه دادن
deny	انکار کردن	admit	اعتراف کردن
consider	در نظر گرفتن	enjoy	لذت بردن
forbid	ممنوع کردن	feel like	مایل بودن
practice	تمرین کردن	give up	تسلیم شدن
suggest	پیشنهاد کردن	mind	مهم بودن

quit	ترک کردن	avoid	خودداری کردن
postpone	عقب انداختن	discuss	بحث کردن
risk	خطر کردن	face	روبروشدن
appreciate	تقدیر کردن	put off	به تعویق انداختن
detest	تنفر داشتن	understand	فهمیدن
escape	فرار کردن	delay	تاخیر کردن
finish	تمام کردن	miss	از دست دادن
mention	اشاره کردن	resist	مقاومت کردن
fancy	تصور کردن	imagine	تصور کرن
involve	مستلزم بودن		





- He finished **doing** his homework.
- He **imagines** **working** there one day.
- I **miss** **taking** walks in the morning.
- She decided to be a nun in order to **avoid** **meeting** him.

بعد از حروف اضافه در نقش متمم

- I am interested **in** watching football
- My love **for** reading was immediate.
- By** reading, we can explore new worlds

at در	by توسط	from از	against در مقابل	after بعد از	about درباره	for برای	on روی
in در	with با	without بدون	of از	to به	except به جز	across در عرض	near نزدیک
into توی	behind پشت	among در میان	between بین	through از میان	under زیر	above بالای	until تا
before قبل از	off از	within ظرف، طی	towards به طرف	throughout سرتاسر	over بالای	along در امتداد	upon بر

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





بعد از فعل **go** اسم مصدر برای بیان فعالیت های تفریحی به کار می رود:

go fishing **go** skating **go** sailing **go** boating **go** hunting
go skiing **go** jogging **go** running **go** camping **go**
mountain climbing

-He **goes swimming** every day after work.

-I will **go mountain climbing**.

-Would you like to **go ice skating** tomorrow?

در اطلاعیه ها، معمولاً قبل از اسم مصدر **NO** قرار می گیرند. یعنی آن کار اینجا ممنوع است.

NO TURNING, NO PARKING, NO BIKING,...



در حضور افعال اسنادی و به عنوان مسند

My favorite hobby is reading books.

باید حواسمان باشد که کاربرد بالا را با جملات استمراری اشتباه
نگیریم

Maryam is writing an email now

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





Imagineto a wonderland that everybody knows how to fly.

- 1)traveling 2)to travel
3)by traveling 4)travel

Please remember that there is In this place.

- 1)never smoke 2)do no smoke
3)not smoking 4)no smoking

Alice has A lot of times but she has not seen a shark

- 1)go to-until 2)gone to fishing-yet
3)gone fishing-yet 4)gone fishing-until

گرامر درس ۳ یازدهم

(جمله شرطی، صفات فاعلی و مفعولی، مصدر)

جملات شرطی



جمله شرط	جواب شرط
If it rains	The match will be cancelled

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





جمله ی شرطی نوع صفر

اگر هر دو بخش ساختار شرطی راجع به یک واقعیت علمی و یا دائمی و عادات باشند در هر دو بخش از **حال ساده** استفاده می کنیم



If clause	Main clause
حال ساده	حال ساده
If you heat ice	It turns into water
If you press this button	The computer comes on

شرطی نوع ۱

این نوع شرطی بیانگر یک شرط محتمل و قابل انجام برای زمان حال یا آینده است.

If I see James today, I'll give him your message

سامانه امکان ؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





If clause	Main clause
زمان حال	Will (going to) Can Might Should

حال ساده:

If you finish your homework soon, we can go out

اگر تکالیف را زود تمام کنی، می توانیم بیرون برویم.

حال استمراری:

If John is resting, don't bother him

اگر جان دارد استراحت می کند، مزاحمش نشو.



می توانیم جواب شرط را به صورت جمله ی امری یا نهی بیاوریم.

If you want to see her, be here at 10.a.m

اگر می خواهی او را ببینی ساعت ۱۰ اینجا باش.

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور





حال کامل (ماضی نقلی):

if you **have done** your homework, we **can go** out

اگر تکالیف را انجام داده ای می توانیم بیرون برویم



I my car if Ienough time.

1) wash-will have 2) will wash-will have

3) will wash-have 3) washed-have



در جملات مرکب بعد از if/when/while/after/before و..... از will برای اشاره به زمان آینده استفاده نمی کنیم



Economists are concerned that the rate of inflation will double if the government.....take immediate steps to control it

1) were not 2) will not

3) does not 3) did not

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





صفت مفعولی و صفت فاعلی:

گاهی وقتی به بعضی افعال ed و یا ing اضافه می کنیم می توانیم از آنها به عنوان صفت استفاده کنیم.

اگر ed اضافه کنیم صفت مفعولی و اگر ing اضافه کنیم صفت فاعلی نامیده می شوند. صفت مفعولی عکس العملی است که به یک شرایط نشان داده می شود، مثلاً شوکه (Shocked)، کسل (bored) و ... صفات مفعولی معمولاً برای انسان استفاده می شوند.

صفت فاعلی شرایطی است که باعث یک عکس العمل می شود، مثلاً شوکه کننده (Shocking)، کسل کننده (boring) و ... صفت فاعلی معمولاً برای غیر انسان استفاده می شوند.

از صفت فاعلی برای بیان شخصیت افراد هم استفاده می شود، برای مثال: او آدم جالبی است.

She is an **interesting** person

صفت فاعلی	صفت مفعولی	فعل
سرگرم کننده amusing	سرگرم amused	سرگرم کردن amuse
ناراحت کننده annoying	ناراحت annoyed	ناراحت کردن annoy
خسته کننده tiring	خسته tired	خسته کردن tire
کسل کننده boring	کسل bored	کسل کردن bore
آرام بخش comforting	آرام comforted	آرام کردن comfort
گیج کننده confusing	گیج confused	گیج کردن confuse
قانع کننده convincing	قانع convinced	قانع کردن convince
غمگین کننده depressing	غمگین depressed	غمگین کردن depress
ناامید کننده disappointing	ناامید disappointed	ناامید کردن disappoint

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





صفت فاعلی	صفت مفعولی	فعل
embarrassing خجالت آور	embarrassed خجالتزده	embarrass خجالتزده کر
encouraging ترغیب کننده	encouraged ترغیب شده	encourage ترغیب کردن
exciting هیجان انگیز	excited هیجانزده	excite هیجانزده کردن
frightening ترسناک	frightened ترسیده	frighten ترساندن
interesting جالب	interested علاقمند	interest علاقمند کردن
satisfying راضی کننده	satisfied راضی	satisfy راضی کردن
shocking شوکه کننده	shocked شوکه	shock شوکه کردن
surprising غافلگیر کننده	surprised غافلگیر	surprise غافلگیر کردن
worrying نگران کننده	worried نگران	worry نگران کردن

مصدر

To win this match is impossible

پیروز شدن در این مسابقه نا ممکن است

To play basketball is a very effective way to keep fit

بسکتبال بازی کردن راه خوبی برای حفظ تناسب اندام است.

کاربرد ها و جایگاه مصادر

۱. به عنوان فاعل در ابتدای جمله

To smoke is not a healthy habit at all.

سیگار کشیدن به هیچ وجه عادت سالمی نیست

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





وقتی فعل در ابتدای جمله در نقش فاعل استفاده می شود به صورت ing و با to هر دو صحیح است

Smoking is not a healthy habit at all.

۲. بعد از یکسری افعال به عنوان مفعول

Choose انتخاب کردن	Expect انتظار داشتن	Want خواستن	Decide تصمیم گرفتن	Promise قول دادن	Force مجبور کردن
Forget فراموش کردن	Wait صبر کردن	Remember به یاد آوردن	Try تلاش کردن	Attempt تلاش کردن	Agree موافقت کردن
Learn یاد گرفتن	Tell گفتن	Hope امیدوار بودن	Plan برنامه ریزی کردن	Begin آغاز کردن	

برای برخی افعال مثل prefer/try/hate/remember/stop/love می توان هم از اسم مصدر استفاده کرد هم مصدر با to. معنای جمله تعیین کننده است.

Stop this building.it belongs to me.

- 1)to destroy
- 2)destroying
- 3)destroy
- 4)to destroying





- I **hope to see** you next week.
- He **promised to change** his behavior.
- I can't **afford to own** a car.

Try..... .there is nothing to be worried about.

- 1)not worrying 2)don't worry 3)not to worry 4)not worry



برای منفی کردن مصدر قبل از آن **not** می آوریم

I decided not to tell her the news

تصمیم گرفتم که اخبار را به او نگویم

۳. بعد از یکسری صفات

careful دقیق	amazed متعجب	certain مطمئن	ashamed شرمنده	glad خوشحال	interested علاقه مند	upset غمگین	pleased راضی
fortunate خوش شانس	shocked شوکه	lucky خوش شانس	sorry متاسف	surprised متعجب	nice خوب	dangerous خطرناک	hard سخت
safe امن	useful مفید	appropriate مناسب	simple ساده	common رایج	stupid احمق	good خوب	difficult دشوار
afraid ترسیده	essential ضروری	necessary لازم	possible ممکن	suitable مناسب	right صحیح	important مهم	ordinary معمولی
heavy سنگین	willing مشتاق	proud مغرور	forbidden ممنوع	sad ناراحت	wrong غلط	anxious نگران	happy خوشحال





-They were **sad to hear** about his death.

-We are **happy to see** you here.

۴. برای بیان هدف انجام کاری از مصدر استفاده می کنیم

The dog ran to the door to fetch the newspaper

آن سگ به سمت در دوید تا روزنامه را بیاورد

گرامر درس ۱ دوازدهم: بخش اول (جملات مجهول)

جمله ی مجهول و ساختار آن

I sent the letter

من نامه را ارسال کردم

نامه ارسال شد

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





I sent the letter

من نامه را ارسال کردم

ساختار فعل مجهول زمان حال ساده

از زمان حال ساده simple present در زبان انگلیسی برای نشان دادن عملی که یک بار یا چند بار به صورت تکراری اتفاق می افتد استفاده می کنیم.

Samira always eats her dinner at 9.p.m.

سمیرا همیشه شامش را ساعت ۹ شب می خورد

Dinner is always eaten at 9.p.m

شام هر شب ساعت ۹ خورده می شود



ساختار جمله ی مجهول در زمان حال ساده:

+am/is/are+p.p ضمیر یا اسم مورد نظر

قیود راهنما:

always, usually, often, every week/day.....

The carevery week(wash).

Iin the pool ever Sunday(swim)

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





افعال مفعول ناپذیر نمی توانند مجهول شوند.

Arrive/go/swim,.....

That dogthree times everytime he sees his owner.(jump)

Ito my office every morning.(take)

ساختار جمله ی مجهول در زمان گذشته ی ساده

Storm destroyed all those buildings.

طوفان تمام آن ساختمان ها را **ویران کرد**

All those buildings were destroyed with storm.

تمام آن ساختمان ها توسط طوفان **ویران شدند**

ساختار جمله ی مجهول در زمان گذشته ی ساده

+was/were+p.p اسم یا ضمیر مورد نظر



قیود راهنما:

Last year/week....,yesterday,in(1990),.....

The movie.....in Hollywood(produce)

The lost soldiers.....yesterday(find)

Iin Chicago.(born)

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





فعل be born یک فعل مجهول است و غالبا در زمان گذشته به کار می رود.

Where were you born?

I was born in Tehran



موردی ندارد که فاعل را هم در جملات مجهول ذکر کنیم. معمولا اگر فاعل جمله ی مجهول انسان باشد در انتهای جمله همراه با **by** می آید ولی اگر غیر انسان باشد همراه با **with** یا **in** به کار می رود.

The city was covered is ashes.

I was hit by a stone.

I was shut by the soldier

ساختار جمله ی مجهول در زمان حال کامل

زمان حال کامل در انگلیسی برای بیان اتفاق هایی به کار می رود که در گذشته اتفاق افتاده ولی آن اتفاق یا تاثیرش تا زمان حال ادامه پیدا کرده است. نزدیک ترین معادل برای این زمان در زبان فارسی "ماضی نقلی" است.

She **has finished** her homework recently

او تکالیفش را تمام کرده است.

Her homework **has been finished** recently

تکالیف او اخیرا تمام شده اند.





ساختار جمله ی مجهول در زمان حال کامل

+have/has been+p.p اسم یا ضمیر مورد نظر

قیود راهنما:

Recently/since/for/already/yet,.....

All her books.....recently.(publish)
.....she.....by the agent?(phone)

1. hunter / the cruel / the gazelle / killed

Active:

Passive:

2. my mother / Sina / gave / for his birthday / a book /

Active:

Passive:



برخی افعال در زبان انگلیسی وجود دارند که اصطلاحاً دو مفعولی نام دارند. یک مفعول این افعال غالباً انسانی و همان "متمم فارسی" و یک مفعول غیر انسانی و همان "مفعول فارسی" است. برای این افعال دو شکل مجهول قابل تصور است.

My mother told me a story.

Passive: A story was told to me by my mother

Passive: I was told a story by my mother.

Give/tell/send/offer/lend/.....

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





4. always / I / keep / in the fridge / the butter

Active:

Passive:

حل سوالات مربوط به جملات مجهول:

معنا در حل سوالات مجهول بسیار راهگشا است

I was told.

به من گفته شد.

I have invited.

من دعوت کرده ام.

I have been invited.

من دعوت شده ام

می بینیم که در جملات مجهول "شدن" بسیار روشن و بارز است.

نکته ی بعد این است که نهاد ما (در واقع می توانیم بگوییم همان مفعول جمله ی معلوم) با فعلی که رخ می دهد تناسبی منطقی دارد.

The carin the garage.(find)

1)Found 2)was found

Mobile phonesby hard work.(make)

1)Make 2)are made

Most American people.....a lot of fast food everyday.

1)Consume 2)are consumed

The robber..... by the police last week. (find)

1)Found 2)was found

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





توجه به ساختار جمله و گزینه های را حل دیگر حل سوالات این بخش است. مثلاً
شناسایی قسمت سوم فعل، تشخیص مفعولی که در اول جمله آمده است، یک سری قیود
و حروف اضافه و.....

The mobile factory300 mobile phones per hour.

- 1) produces 2) has produced
3) will produce 4) is produced

A lot of research Since 1995 by devoted scientists.

- 1) has done 2) has been doing
3) has been done 4) is being done

گرامر درس ۱ دوازدهم: بخش دوم (دنباله های سوالی، حروف ربط)

دنباله سؤالی Tag questions

سوالات تأکیدی هستند که در انتهای جمله توسط سوال کننده پرسیده می شود و معمولاً برای گرفتن تأییدیه و یا عدم تأییدیه از شنونده استفاده می شود.

به معنای: مگه نه؟ اینطور نیست؟ درسته؟ اینطوریه دیگه؟ و

-She's a doctor, **isn't she**?

-He isn't here, **is he**?

-I don't need to finish this today, **do I**?

-Mina eats cheese, **doesn't she**?

سامانه امکان: آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





نکات:

-اگر جمله اصلی مثبت بود، دنباله سؤالی باید منفی باشد و اگر جمله اصلی منفی بود، دنباله سؤالی باید مثبت باشد. (جمله با فعل کمکی، مدال یا to be)

-Snow **is** white, **isn't** it?

-You **aren't** English, **are** you?

-Sina **has done** his homework, **hasn't** he?

-You **should** visit a doctor, **shouldn't** you?

-در جملات بدون فعل کمکی یا مدال اگر جمله اصلی در زمان حال ساده باشد از do و does و اگر گذشته ساده باشد از did استفاده می کنیم.

-They live in London, **don't** they?

-She comes from Korea, **doesn't** she?

-He went to the party last night, **didn't** he?

-برای دنباله سؤالی حتماً باید از ضمائر فاعلی I, you, we, they, she, he, it استفاده شود نه اسم.

-دنباله منفی باید به صورت مخفف باشد. **Zahra** has a good job, hasn't **she**?

-The boss was in a good mood today, **wasn't** he? (NOT ~~was not~~ he?)

-جمله پایه باید حتماً خبری باشد، برای جمله سؤالی، دنباله سؤالی استفاده نمی شود.

~~NOT Are you Ali?, aren't you?~~ → You are Ali, aren't you?

-ضمایر اشاره: اگر جمله با ضمائر اشاره مفرد this و that شروع شود، در دنباله سؤالی از ضمیر فاعلی it به کار می رود، اگر با ضمائر اشاره جمع these و those شروع شود در دنباله سؤالی از ضمیر فاعلی they به کار می رود.

-**This/That** is your pen, isn't **it**?

-**Those/These** are your sandals, aren't **they**?

*دقت کنید که اگر بعد از **this** و **that** به انسان اشاره شود، ضمیر فاعلی آن ها در دنباله سؤالی **he** یا **she** می آید.

-**That boy** is your brother, isn't **he**?

-**This little girl** is so beautiful, isn't **she**?

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور





-**قیدهای منفی:** اگر در جمله اصلی، یکی از قیدهای منفی ساز بیاید، دنباله سؤالی آنها مثبت می باشد.

no, none, not, few, little, hardly, never, rarely, ...

-They are **hardly** aware of the increase in birth rate, **are** they?

-There has **never** been an exploitation in this company, **has** there?

*اگر در جمله اصلی یکی از ضمائر مبهمی که به انسان اشاره دارد، مانند: someone, somebody, no one, nobody, everyone, everybody بیاید، در دنباله سؤالی از ضمیر فاعلی **they** و اگر در جمله اصلی یکی از ضمائر مبهمی که به اشیاء اشاره دارد، مانند: everything, nothing, something بیاید، در دنباله سؤالی از ضمیر فاعلی **it** استفاده می کنیم.

-**Nobody** lives in this house, do **they**?

-**Nothing** bad happened, did **it**?

-**there**: اگر there در جمله اصلی بیاید، در دنباله سؤالی هم همان there قرار می گیرد.

-**There** is a lot of work to do today, isn't **there**?

-**دنباله سؤالی I am**: اگر جمله اصلی ما شامل جملاتی با I am باشد، دنباله سؤالی آن جمله به صورت am I not یا I aren't می آید.

-**I'm** on time, **aren't I/am I not**?

-**جملات امری:** برای دنباله سؤالی جملات امری از can you? , could you? , would you? و will you? استفاده می کنیم.

-Open the door, **will you?** (**would you?**)

- Have a coffee, **can you?** (**could you?**)

سامانه امکان: آموزش مجازی کنکور





- **let's** : اگر جمله اصلی با Let's شروع شود، دنباله سؤالی آن shall we? می شود،
اما دقت کنید اگر جمله اصلی با Let us شروع شد در دسته جملات امری قرار می
گیرد.

- **Let's** invite the neighbors over for dinner on the weekend, **shall**
we?

- **Let us** postpone the matter, **will you**?

دنباله ی سؤالی در جملات مرکب

She phoned while I was watching TV,.....?

I have heard that he is ill,.....?

John would leave the town if he wasn't sick,.....?

اگر جمله ای مرکب داشتیم، جمله ی پایه را مبنای ساخت دنباله ی سؤالی قرا
می دهیم مگر اینکه در جمله ی پایه ضمیر "I" یا افعالی مثل
think/believe/feel/heard/suppose/(am)sure وجود داشته
باشد. در این صورت جمله ی پیرو مبنا قرار می گیرد.

Reza and Ali have hardly known him for 5 minutes,.....?

1) haven't Reza and Ali

2) have they

3) haven't they

4) have Reza and Ali

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





If Sam were rich, he would help his parents,..... ?

- 1) would he
- 2) wouldn't he
- 3) weren't he
- 4) wouldn't Sam



ما یاد گرفتیم که هر جمله باید حداقل یک فاعل و یک فعل داشته باشد، که این جملات را جمله ساده می گوئیم.
جمله ای با بیش از یک فاعل، فعل و یک حرف ربط مانند: و، یا، اما یا بنابراین را جمله مرکب می نامیم.

-They got there early, and they got really good seats.

-It was late so he didn't order anything.

کلمات ربط:

-and: فعالیت ها و یا احساسات مشابه را نشان می دهد، و اطلاعات یا توضیحاتی را به جمله قبلی اضافه می کند.

-London is in England, and Rome is in Italy.

-but: دو جمله متضاد یا مختلف را به هم ربط می دهد.

-Reza ran fast, but he couldn't catch Ali.

-or: برای انتخاب کردن از بین دو چیز یا جایگزین کردن استفاده می شود.

-You can take a train, or you can take a bus.

-You can take a train or take a bus.

-so: نشان می دهد که جمله دوم نتیجه جمله اول است.

-He was feeling sick, so he went to the doctor.

سامانه امکان: آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





Gerald.....forgot to lock the door the night our restaurant was robbed.

1)And I

2)Or myself

3)And I themselves

4)Himself and myself

گرامر درس ۲ دوازدهم

(جملات و ضمائر موصولی، شرطی نوع دوم)



فاعل	مفعول
I	me
you	you
he	him
she	her
it	it
we	us
they	them

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





انعکاسی (تاکیدی)

myself

yourself

himself/herself/itself

ourselves

yourselves

themselves

به مثال های زیر توجه فرمایید:

A notebook is a computer.

A notebook can be carried around.

A notebook is a computer **which can be carried around.**

The old man is wearing a blue shirt.

The man is my father.

The man **who is wearing a blue shirt is my father.**

ضمیر های ربط کلماتی از قبیل **who/whom/which/that** هستند و معنای "که" می دهند.

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





انواع ضمائر موصولی معرفی شده در کتاب

✓ **Who**: بعد از اسم اشخاص ضمیر ربط **who** به کار می رود.

The man **who** lives next door is my uncle.

مردی که همسایه ی ماست، عمویم است.

The man who called yesterday is my uncle.

مردی که دیروز تماس گرفت دایی من است.

✓ **Whom**: این ضمیر هم مثل **who** فقط برای انسان استفاده می شود. این ضمیر می تواند بعد از اسمی قرار بگیرد که مفعول جمله است.

The person **whom** I phoned last night is my teacher.

I visited the woman **whom** I met yesterday



به جای **whom** از **who** هم می توانیم استفاده کنیم.

The woman **who(m)** you met yesterday is coming to dinner.

✓ **Which**: این ضمیر فقط برای اشیا و حیوانات استفاده می شود.

-The car **which** hit me was yellow.

-ماشینی که به من برخورد کرد زرد بود.

-The car **which** I drive is old.

-ماشینی که آن را می رانم قدیمی است.





That: این ضمیر موصولی هم برای انسان و هم برای غیر انسان کاربرد دارد و به نوعی می تواند جانشین **who/whom/which** باشد.

Marie Curie is the woman **that** discovered radium.

ماری کوری زنی است که رادیم را کشف کرد



اگر بعد از ضمیر ربط یک فعل بیاید نمی توانیم ضمیر ربط را حذف کنیم. (وقتی بعد از ضمیر ربط یک فعل به کار می رود می گوییم ضمیر ربط در **حالت فاعلی** است)

The secretary **who** works for me is 65 years old.

اگر بعد از ضمیر ربط فعل به کار نرود، می توانیم آن را حذف کنیم. (وقتی ضمیر ربط بعد از اسمی قرار می گیرد که مفعول جمله است می گوییم ضمیر ربط در حالت مفعولی به کار رفته که در این حالت بعد از آن فعل به کار نمی رود)

The secretary **who** I need must be 65.

=

The secretary I need must be 65.



بعد از **that** ویرگول نمی آید.

The car, which costs 3000\$ is mine. (NOT the car, that is)





اگر در جمله ی موصولی حرف اضافه (to/on/at/in) داشته باشیم می توانیم آن را در انتهای جمله ی موصولی یا در ابتدای آن (قبل از ضمیر موصولی) بیاوریم.

This is the pen which I talked to you about.

This is the pen about which I talked to you.

اگر حرف اضافه را قبل از ضمیر موصولی به کار ببریم فقط می توانیم از ضمائر موصولی whom و which استفاده کنیم.

ضمیر ربط دیگر whose است که در اغلب موارد بین دو اسم قرار می گیرد رابطه ی ملکی بین آن دو را نشان می دهد.

اسم انسان یا اشیا+whose

We saw some tourists whose car had broken down.

ما تعدادی توریست دیدیم که ماشینشان خراب شده بود

از کلمات when (زمانی که)/where (جایی که)/why (دلیلی که) در جملات موصولی استفاده می شود.

The city where we visited last year wasn't very clean

شهری که پارسال از آن دیدن کردیم زیاد تمیز نبود

The reason why I'm asking you is to prevent the accident from happening



when/where=in which/on which/at which

The office where I work=the office in which I work.

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





The citySam was bornwas destroyed because of the war.

- 1)who,.... 2)in that,....
3)where,in 4)which,in

جملات شرطی نوع ۲

If clause	Main clause
گذشته	Would Could Should Might
If I were you	I would buy the car
If I could speak french	I could work as a tour guide.

فعل شرط می تواند گذشته ی استمراری هم باشد

If we were doing that task,I would be much happier

اگر داشتیم آن ماموریت را انجام می دادیم من خوشحال تر می بودم.

در شرطی نوع دوم می توانیم به جای ساختار

were + فاعل + if می توانیم if را حذف کنیم و were را اول جمله بیاوریم.

If I were you,I would study harder

=

سامانه امکان ؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





در شرطی نوع دوم در جمله ی شرط استفاده از were به جای was برای همه ی اشخاص رایج تر است.

If I **were** you, I would watch the movie
If my mother **were** here I would ask her for help.



Tom The phone if he.....busy right now.

- 1) Would answer-wasn't
- 2) Would answer-weren't
- 3) answers-will be
- 4) Will answer-will be

گرامر درس ۳ دوازدهم (ساختار مجهول افعال وجهی، ماضی بعید)

ساختار مجهول:

I washed the car yesterday.

من دیروز ماشین را شستم.

افعال وجهی:

You must do the job.

باید کار را انجام بدهی.





ساختار مجهول افعال مدال

be + p.p + افعال وجهی + فاعل جمله ی مجهول

The letter should be sent to Tehran

نامه باید (بهتر است) به تهران ارسال شود.

I am not sure but I think lunch might be cooked by mom.

مطمئن نیستم ولی فکر می کنم نهار احتمالا توسط مادر پخته می شود.

Might smoking.....in public places one day?

- 1) Allows
- 2) Be allowed
- 3) Can be allowed
- 4) Is allowed

Mobile phonesin any field of activity

- 1) Can use
- 2) Can be used
- 3) Should be used
- 4) May use



شکل مجهول زمان های "حال استمراری" و "گذشته ی استمراری" به صورت am/is/are/was/were+being+pp است.

The flower is being watered by my father

گل دارد توسط پدرم آبیاری می شود.

The cars were being washed in the car wash

ماشین ها داشتند در کارواش شسته می شدند.

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





گذشته کامل Past Perfect

ساختار:

...+ شکل سوم فعل + had + فاعل (کننده کار)

مثال:

-She **had met** him before the party.

قبل از مهمانی با او ملاقات کرده بود

منفی:

-She **had not met** him before the party.

-قبل از مهمانی با او ملاقات نکرده بود

سؤالی:

-**Had** she **met** him before the party?

پاسخ کوتاه:

-Yes, she **had**.

- No, she **had not**.

مخفف:

had → 'd

had not → **hadn't**

-She **had met** him before the party. → She '**d met** him before the party.

-She **had met** him before the party. → She **hadn't met** him before the party.





در غالب سوالات اين بخش ماضی بعید همراه با ماضی ساده به کار می رود و در واقع نشان دهنده ی کاری است که در گذشته قبل از کاری دیگر انجام شده است.

When I arrived, the thief left the room.

وقتی رسیدم دزد اتاق را ترک کرد.

When I arrived, the thief had left the room.

وقتی من رسیدم دزد اتاق را ترک کرده بود.

قیود و نشانه ها

By: تا زمانی که

The thief had gone by the time I arrived.

تا زمانی که من که برسم دزد رفته بود

The mission had been finished by 1995.

تا (سررسیدن) سال ۱۹۹۵ آن ماموریت تمام شده بود

قیده‌های already, until, just در این زمان هم کاربرد دارند.

- She **had already eaten** when he arrived.

- He **had never played** football **until** last week.

- The bus **had just left** when we got to the stop.

- already و since با زمان حال کامل هم استفاده می شوند، اما در برخی موارد همراه با گذشته کامل هم به کار میروند. بنابراین در انتخاب گزینه مناسب دقت کنید.

- I **had already finished** my lunch.

- I **have worked** here **since** I graduated school.

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





because/since/as

He **was** very tired **because** he **hadn't slept** well.

-As/Since he **hadn't slept** well, he **was** very tired.

When I arrived at the party,most of the guests.....home.

- 1)Had already gone
- 2)Have already gone
- 3)Will go
- 4)Go

His father.....before he was born.

- 1)Dies
- 2)Had died
- 3)Died
- 4)Will die



اگر دو عمل در گذشته بلافاصله پشت سر هم انجام شده باشند، هر دو را به زمان گذشته ی ساده نشان می دهیم.

When the president arrived,everybody stood up.(NOT when he had arrived.....)





ساختار مجهول در زمان گذشته ی کامل

had been+p.p +ضمیر یا اسم مورد نظر

The job had not been finished by her.

شغل توسط او تمام نشده بود

The letter had been sent to Italy

نامه به ایتالیا ارسال شده بود

The car looked as if itfor a long time.

- 1)didn't wash
- 2)hadn't been washed
- 3)wasn't washed
- 4)hasn't been washed

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





زبان انگلیسی کنکور

پرہام سہدی

WWW.EMKAN.APP





این مجموعه همراه تدریس ویدیویی دوره
آموزشی سامانه امکان می باشد و به تنهایی
قابل استفاده و بهینه نمی باشد

لغات





بیسیک و جمع بندی لغات

بهترین راه یادگیری لغات دیدن لغت داخل مثال است.
نکته ی مهم بعدی کلنچار رفتن با سوالات و تلاش برای یافتن معانی لغات با توجه
به لغات دیگر موجود در متن است. بدانید که نقش گرامری کلمات هم می تواند
راهگشای ما باشد .

تشکیل شبکه های معانی هنگام حل سوالات لغت هم بسیار موثر هستند: لغات
متضاد، لغات مترادف، تناسب ها و

The lazy boy was so.....that his parents decided to
punish him for his bad manner.

- 1) Rude
- 2) Suddenly
- 3) Kind
- 4) smart





جدول پیشوند ها و پسوند ها

prefix	meaning	example
re	again	rewrite
un	not	unimportant
im in	not	Impossible incorrect
dis	Not/opposite of	disable
mid	middle	midday

suffix	meaning	example
er/or	Noun maker	visitor
ness	Noun maker	shyness
Ion/tion/sion	Noun maker	creation
ful	Adj maker	helpful
ous	Adj maker	dangerous
y	Adj maker	rainy
al	Adj maker	natural





prefix	meaning	example
sub	زیر	subtitle
tele	دور	television
ir	منفی ساز	irregular
un	منفی ساز	unable
il	منفی ساز	illegal
uni	تک	uniform
post	بعد از	Post-modern

حروف ربط

conjunctions

After
although
because
before
Since
whereas

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





though
until
when
and
While
Or

But
In spite of
despite

Because of you, I never stray too far from the sidewalk.

به خاطر شما، من هرگز از پیاده رو خیلی دور نمی شوم

As Mary blew out the candles atop her birthday cake, she caught her hair on fire.

هنگامی که ماری شمع های روی کیک تولدش را فوت کرد، موهایش آتش گرفت

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





When the doorbell rang, my dog barked loudly.

وقتی زنگ در به صدا درآمد، سگ من پارس کرد

I can stay out until the clock strikes twelve.

من می‌توانم تا ساعت دوازده بیرون بمانم

Before he leaves, make sure his room is clean.

قبل از اینکه او برود، مطمئن شوید اتاقش تمیز است

All my sisters are doctors, whereas I am a teacher

تمام خواهرانم دکتر هستند در حالی که من معلم هستم.

Although the sun was shining it wasn't that warm

گرچه خورشید داشت می تابید، آنچنان گرم نبود.

حروف اضافه

Prepositions are words such as at, by, for, against, after, about, for, on,

in, with, without and so on.

Here are some common examples of prepositions + gerunds:

Parastoo is good at speaking and writing German.

Alice is interested in playing tennis.

What do you think about living in a village?

Nancy and Margaret have plans for doing their homework soon.

I am tired of washing the dishes.

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





about برای اشاره به چیزی در مورد موضوعی خاص

We were talking about you.

from برای اشاره به منشا یا ارسال کننده یک چیز

a present from Jane.

of برای اشاره به مالکیت

a page of the book

Sense of belonging

احساس تعلق

Sense of appreciation

احساس قدرشناسی

with برای اشاره به همراهی دو یا چند چیز یا فرد با هم

with my parents, with a friend

نکته:

Satisfied with

راضی از

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





Collocations and phrasal verbs

«همایند»ها عباراتی هستند که از دو یا چند کلمه تشکیل شده و معمولاً با هم و در کنار هم در جمله قرار می گیرند. این صمیمت و رفاقت بین این زنجیره به حدی زیاد است که اگر یکی از کلمات را با کلمه ای شبیه جایگزین کنید، عبارت عجیب و غریب به نظر می رسد؛ حتی اگر کلمه از نظر گرامری و معنایی درست باشد.

List of collocations

Tired of

خسته از

Take medicine

مصرف کردن دارو

Do experiment/research

انجام دادن آزمایش/تحقیق

Get ready

آماده شدن

Get well

خوب شدن

Go abroad

به خارج سفر کردن

Make a mistake

مرتکب اشتباه شدن

With regard to

با توجه به

Give advice

توصیه کردن/نصیحت کردن

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





Do homework

انجام دادن تکالیف

Make a deal

قول و قرار گذاشتن

Make a suggestion

پیشنهاد دادن

Get information

اطلاعات کسب کردن

Surf the internet

در اینترنت گشتن/جست و جو کردن

Twist one's ankle

پیچ خوردن مچ پا

Have a fever

تب داشتن

Running water

آب لوله کشی

Hard of hearing

کسی که گوشش سنگین است

Bored with

کلافه از

Aware of

مطلع از

Amused by

سرگرم شده با

Take a holiday

به تعطیلات رفتن

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





Make a choice

انتخاب کردن

Catch a cold

سرما خوردن

Make a difference

تغییر ایجاد کردن

Fast food

Quick meal

Strong wind

باد قوی

Heavy rain

باران شدید

Make a mistake

خطا کردن

Phrasal verbs

Call back

(بعد از یک بار پاسخ ندادن) دوباره زنگ زدن

Check in

پذیرش شدن (در هتل، فرودگاه و ...)

Get up

بیدار شدن

Give up

تسلیم شدن

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





Grow up

رشد کردن

Look up

دنبال (لغتی در دیکشنری) گشتن

Get depressed

افسرده شدن، محزون شدن

Look after

دنبال چیزی گشتن

Turn off

خاموش کردن

Wake up

بیدار شدن

Get amused

سرگرم شدن

Combine with

ترکیب کردن با

Consist of

تشکیل شدن از

Convert into

تبدیل کردن به

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





Care for

مراقبت کردن

Decide on

تصمیم گرفتن

Cut down

قطع کردن

Divide into

تقسیم کردن به

Depend on

وابسته بودن به

Bring up

بزرگ کردن

Do an exercise

تمرین کردن

Cross out

خط زدن

Figure out

پی بردن

Give off

ترشح کردن

Hear of

شنیدن از

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





Keep on

ادامه دادن

Look out

مراقب بودن

Pair up

جفت شدن

Make up

جبران کردن، به صلح و تعامل رسیدن

Plug in

دو شاخه را به پریز زدن

Put out

خاموش کردن (آتش)

Lead to

منجر شدن به

Stick to

چسبیدن به، گیر دادن به

Use up

مصرف کردن

Get a job

کار گرفتن

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





ضرب المثل ها

God helps those who help themselves

از تو حرکت از خدا برکت

The early bird catches the worm

سحرخیز باش تا کامروا باشی

Birds of a feather flock together

کبوتر با کبوتر باز با باز

Actions speak louder than words

به عمل کار بر آید به سخن دانی نیست

Practice makes perfect

کار نیکو کردن از پر کردن است

Too many cooks spoil the broth

آشپز که دو تا شد آش یا شور می شه یا بی نمک

Easy come,easy go

باد آورده را باد می برد

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkana.app





Two heads are better than one

دو تا عقل بهتر از یکی کار می کنه (یک دست صدا ندارد)

Don't count your chickens before they hatch

جوجه رو آخر پاییز می شمارن

Out of sight out of mind

از دل برود هر آنچه از دیده رود

A) Why do you think James is a liar?

B) All his friends are liars,

1) Cut your coat according to your cloth

2) Birds of a feather flock together

3) Kill two birds with one stone

4) Money does not grow on trees

لغات درس ۱ دهم

Look out for: منتظر بودن، دنبال چیزی بودن

We were told to look out for a blue van.

Look after: مراقبت کردن

She had to look after his brother

Increase: افزایش دادن، افزایش یافتن

The number will increase

Sitting a lot increases health risks

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





Put out: خاموش کردن (آتش)

The firemen put out the fire

Name: نام، نامیدن

What did they name their son

Identify: شناسایی کردن

He was identified easily

Take a photograph: عکس گرفتن

My sister loves taking photos

Nature: طبیعت

Natural: طبیعی

Natural juice

Wildlife: حیات وحش

Endangered: در معرض خطر

Die out: منقرض شدن

Those endangered animals are going to die out.

Wild: وحشی

Wildlife: حیات وحش

Alive: زنده، سرزنده

Hunt: شکار کردن

Hunting makes some hunters feel alive, but it is very bad for wild animals and wildlife

Destroy: نابود کردن

They destroyed the building

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





Take care of someone/something:

از کسی/چیزی مراقبت کردن، رسیدگی کردن

I took care of my sister

I am going to take care of it

Future: آینده:

I am going to be doctor in the future

Advice: توصیه، نصیحت:

we received advice of the company's agent

Put into practice: عملی کردن، جامه ی عمل پوشاندن:

Put my advice into practice

Pay attention: توجه کردن:

Pay attention to the sign

Consider: در نظر گرفتن:

Consider me as an option

Protect: محافظت کردن:

People should protect nature

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





Expression	عبارت، اصطلاح
Way	راه
Trip	سفر
Phrase	عبارت
Future	آینده
Weekend	آخر هفته
Hope	امید
Information	اطلاعات
Aspect*	نظر، جنبه

Orally	به طور شفاهی	Instead (of)	به جای، در عوض
Especially	مخصوصاً، به ویژه	Above	بیشتر، بالا
Hopefully	خوشبختانه، با امیدواری	Nowadays	امروزه، این روزها
Recently	اخیراً، به تازگی	Simply	به آسانی، بی تکلف، اصلاً، فقط
Carefully	با دقت	Seriously	به صورت جدی
Continuously	پیوسته		





1. There are some big of paint on your shirt. It is very dirty.

- a) facts b) telescopes
- c) hearts d) drops

2. Nowadays humans destroy the natural homes of the animals in the, lakes, and plains very easily.

- a) Numbers b) examples
- c) plants d) forests

3. My wife's and my work are totally different, so we don't get much time together.

- a) schedules b) beginnings
- c) plains d) expressions





4. The of people helping to clean the trash near the river was more than enough.

- a) example b) number
- c) practice d) ability

5. Zara really needs to be at the center of She takes pictures of all her daily events and posts them on her Instagram page.

- a) celebration b) emergency
- c) attention d) connection

6. During this three-year actually named by the Chinese "The Three Years of Natural Disasters," no one really knows how many people died.

- a) schedule b) future
- c) period d) danger





7. The president making speech on the recent economic hardships promised that there would be great changes in near....

- a) Nature
- b) exchange
- c) future
- d) voyage

8. I had a in my stomach, and I couldn't eat anything for a long time. That's why I was in the hospital for a week.

- a) Plain
- b) pain
- c) plane
- d) plants

9. The director was given a budget of \$10 million, and so far the film seems to be going according to.....

- a) Care
- b) plan
- c) report
- d) idea





10. Some animals have special colors called.... coloration that makes it difficult for hunters to see them.

- a) attentive
- b) endangered
- c) protective
- d) saved

11. It's that you should feel anxious when you first leave your country.

- a) pleasant
- b) natural
- c) selfish
- d) careless

12. She is not old to drive a car. She is only 15 years old.

- a) nervous
- b) enough
- c) beautiful
- d) favorite





13. The increasing construction of factories in this area is believed to the wildlife; that's why people are gathering in front of the president's office.

- | | |
|---------------|-------------|
| a) endangered | b) increase |
| c) protect | d) divide |

14. I know it won't always be like this but as long as we can, we have to do everything in our power to keep the patient

- | | |
|---------------|----------|
| a) endangered | b) alive |
| c) natural | d) quiet |

15. Mira's going to be very weak for a long time after the accident, so she'll need a lot of....

- | | |
|----------|------------|
| a) Place | b) example |
| c) care | d) beauty |





16. Several people were badly..... in the car accident yesterday.

- a) Pained
- b) destroyed
- c) injured
- d) cut

17. Most of the old parts of the city were by bombs during the war.

- a) increased
- b) haunted
- c) saved
- d) destroyed

18. The Iranian historians believe that the Persian lion about 75 years ago. It was an endangered animal those days.

- a) destroyed
- b) died out
- c) helped out
- d) took off





19. If we the prices, nobody can buy anything.

- a) increase b) donate
- c) attend d) imagine

20. I saw him standing a group of students.

- a) between b) among
- c) around d) through

21. My brother asked me to go to the meeting of him, but I was too busy at that time .

- a) because b) instead
- c) in front d) by means





22. As the girl and her brother were Injured in the car accident, they were taken to hospital immediately.

سراسری زبان ۹۶

a) strongly

b) similarly

c) anxiously

d) seriously

23. Both Mr. and Mrs. Karimi are worried about their son because he does not take life..... .

سراسری تجربی ۹۴

a) regularly

b) seriously

c) emotionally

d) comfortably

24. Behavioral scientists say that it is essential that a baby be given loving

سراسری زبان ۹۸

a) effect

b) posture

c) function

d) attention

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور





25. My wife told me to change my clothes because she told I was not dressed for the party.

سراسری هنر ۹۷

- a) seriously b) personally
c) commonly d) appropriately

لغات درس ۲ دهم

- Create = ساختن
- divorce created problems for children
- Wonder = تعجب ، شگفتی ، اعجاب ، تعجب کردن ، از خود پرسیدن
- I wonder what I would do without you
- Wonders of creation
- Earth = زمین
- Heaven = بهشت
- Donate = اهدا کردن
- They donated a lot of money to the charity





Blood = خون

Look At = نگاه کردن

Look at that bird

Paint = رنگ ، رنگ زدن

I am going to paint my door

Liquid = مایع

Water is some kind of liquid

Exercise = تمرین ، ورزش

Exercise improves your heart

Defend = دفاع کردن ، حمایت کردن

The soldiers defended their country

Carry = حمل کردن

Will you carry this for me?

Collect = جمع آوری کردن

I used to collect stamps

Strange = عجیب

The table had a strange shape

Form = شکل ، شکل دادن





Opinion = نظر ، عقیده

They sat in a circular formation

Compare = مقایسه کردن

her novel was compared to the work of Daniel Defoe

Sign = امضا کردن ، علامت ، نشانه

Sign here please

Orbit = مدار ، چرخیدن به دور

The earth orbits around the sun

Observatory = رصد خانه

We visited the observatory

Interested = علاقه مند

I am interested In watching TV

Deep = عمیق

The ocean is very deep

Brain = مغز

Brain can process a great amount of information

Alike = شبیه ، مانند هم

They look alike

Without = بدون

I can't live without you





Suitable = مناسب

The movie was suitable for children

Describe = توصیف کردن

Can you describe him?

Famous = مشهور

Bill Gates is a very famous man

Pattern = الگو

Everything has a logical pattern

Choose = انتخاب کردن

I can't choose between them

Actually = در حقیقت ، در واقع ، عملاً

Actually, I wanted to call

Ugly = زشت

He is an ugly person

Cross = رد شدن ، عبور کردن

Do not cross the line

Pair up = جفت ، جفت شدن

Pair up and do the experiment together

Detail = جزئیات

I want every detail you can remember



Abroad = در خارج ، به خارج

we usually go abroad for a week in May

Arrow = تیر ، فلش

I've never used a bow and arrow

Inside = درون

the inside of the car was like an oven

Worry = نگران بودن

Don't worry. He is going to be fine

Fight = دعوا کردن ، جنگیدن

Fight for your dreams

Area = ناحیه ، منطقه

Smoking is very common in this area

Heavy = سنگین

Why is everything so heavy. I can't breathe

Neighbour = همسایه ، کناری

My neighbours are honest people

The brave soldiers ----- their people during difficult wars.

1) pumped

2) defended

3) lived

4) collected



It's no ----- that you are hungry. You didn't eat any breakfast.

1) wonder

2) alive

3) daily

4) alike

A: Does your sister ----- the table after dinner?

B: Yes, sometimes.

1) make

2) clear

3) watch

4) sing

The ----- can store a large amount of information.

1) cell

2) heart

3) brain

4) plasma





Shiraz and Isfahan are two ----- places for different visitors.

- | | |
|----------------|--------------|
| 1) interesting | 2) delicious |
| 3) kind | 4) careful |

Red blood cells ----- oxygen around the body.

- | | |
|-----------|-----------|
| 1) defend | 2) make |
| 3) carry | 4) attack |

I ----- what I would be doing now in this strange country without your kind help.

- | | |
|------------|-----------|
| 1) suppose | 2) wonder |
| 3) prefer | 4) hate |



We didn't win this time, but we never become hopeless and live to ----- another day.

1) fight

2) rise

3) lose

4) defend

My mother got a/an ----- cell phone for me, but I didn't like such things.

1) powerful

2) difficult

3) expensive

4) polite

With all his unhealthy habits taken into consideration, it's a ----- he's lived this long.

1) wonder

2) worry

3) treasure

4) document

Use the Internet to research the price, -----, style, and durability of two item that are for sale.

1) manner

2) matter

3) quality

4) trade



It's good that they weren't ----- in danger in this project, but I agree, in a real situation people could have been killed.

- | | |
|---------------|----------------|
| 1) actually | 2) bravely |
| 3) carelessly | 4) uncertainly |

Parent Network believes that parenting can be learned, and that improved communication can do ----- for family happiness.

- | | |
|--------------|--------------|
| 1) gifts | 2) wonders |
| 3) treasures | 4) functions |

The young boy ----- just how many stars existed in the whole universe, but it was unlikely that he would ever find his answer.

- | | |
|-------------|---------------|
| 1) supposed | 2) wondered |
| 3) reminded | 4) identified |





He said walking to the door, "If you can't be honest, don't expect to stand up in a court room and ----- honesty"

1) defend

2) drop

3) collect

4) carry

When something ----- happens, you can't wait to tell your beloved ones about it, knowing they will share in your excitement.

1) famous

2) wonderful

3) dangerous

4) powerful

If you're unsure as to why you should start meditating on a ----- basis, take a look at the benefits to get an idea of what this skill could do for you in the long run.

1) healthy

2) calm

3) daily

4) wrong





The fact that our soldiers defended the border town -----, amazed everyone, more interestingly they donated their blood to save the injured people.

- | | |
|-------------|--------------|
| 1) neatly | 2) helpfully |
| 3) politely | 4) bravely |

Nowadays many young people want to donate their ----- to save the lives of those who are at the end of the line for hope.

- | | |
|------------|-----------|
| 1) cells | 2) organs |
| 3) members | 4) texts |

She thinks it's ----- that her friend Mina is absent from school. She may be sick today.

- | | |
|--------------|--------------|
| 1) strange | 2) healthy |
| 3) dangerous | 4) different |

Do you live in this -----?" "No, I don't live here."

- | | |
|----------|-----------|
| 1) area | 2) planet |
| 3) river | 4) lake |





They played football ----- a team from another country. They tried so hard to win the game.

- | | |
|----------|------------|
| 1) over | 2) before |
| 3) above | 4) against |

My father ----- me when my sister said I was rude.

- | | |
|-------------|-------------|
| 1) carried | 2) defended |
| 3) observed | 4) watched |

What ----- me is how he is going to get home. It's too late and it's dark outside

- | | |
|------------|--------------|
| 1) worries | 2) collects |
| 3) surfs | 4) describes |

Are you ----- that tigers can climb the trees? I don't think they are capable of doing so.

- | | |
|----------|----------|
| 1) angry | 2) sure |
| 3) brave | 4) clear |





My father always ----- me with my brother. I don't like it.

1) defends

2) compares

3) looks

4) points

Don't ----- when you still have something to give, because nothing is really over until the moment you stop trying.

1) get around

2) donate

3) give up

4) grow up





At first everything seemed to be going on OK, but later we came to face with ---- situations leading the company to get closed.

- | | |
|----------|-----------|
| 1) rocky | 2) holy |
| 3) weak | 4) useful |

The recent report shows that there has been a sharp ----- in the orders for the products produced by the domestic factories.

- | | |
|---------|---------|
| 1) pain | 2) drop |
| 3) key | 4) gift |

All of us were required to sit on the ground in a ----- and talk about the activities we had to take in the following day.

- | | |
|---------|---------|
| 1) ring | 2) body |
| 3) trip | 4) toll |

I tried my hardest to provide a ----- organized explanation for setting up a project to computerize the library system at this university.

- | | |
|-----------|-------------|
| 1) nearly | 2) actually |
| 3) hardly | 4) neatly |





The accident that happened in Chicago last night was in ----- a new political game for people to forget about the recent crisis.

- | | |
|-----------|------------|
| 1) belief | 2) patient |
| 3) notice | 4) fact |

لغات درس ۳ دهم

Peace = آرامش ، صلح

the peace of mind this insurance gives you

Medicine = دارو ، رشته ی پزشکی

I study medicine

Build = ساختن

Building those walls took a lot of time

Believe = باور کردن ، اعتقاد داشتن

I don't believe her

I believe in god

Belief = اعتقاد

Our beliefs shape our life





Experiment = آزمایش ، آزمایش کردن

Do the experiment with your colleague

Research = تحقیق ، تحقیق کردن

Scientists did a reasearch on rats

Invent = اختراع کردن

They invented a new airplane

Develop = توسعه دادن ، پیشرفت کردن

Since 1998,they have developed the company

Development = پیشرفت

Quit = ترک کردن ، دست کشیدن ، رها کردن

Don't quit this job or you will always be remembered as a loser

Form = شکل ، حالت

They formed an alliance

Pass Away = فوت کردن

She passed away last month

Get Around = پخش شدن خبر

The news of her death got around

Seek = جستجو کردن

They are seeking help from the police





Value = ارزش

What you did was very valuable

Cradle = گهواره

the baby slept peacefully in its cradle

Prophet = پیامبر

Holy prophet

Solve = حل کردن

The problem was solved the moment I arrived

Put out = خاموش کردن (آتش)

Those firemen put out the fire

Put inside = کنار گذاشتن

Put your differences aside

Emotion = احساس

she was attempting to control her emotions

Recite = از بر خواندن ، با صدایی موزون خواندن

she recited the dates and names of kings and queens

Emphasis = تاکید

he spoke with emphasis and with complete conviction



Emphasize = تاکید کردن

He emphasized on the truth

Change into = تعدیل شدن به ، تغییر کردن به

It changed into water

Actually = واقعاً ، واقع

actually I am not ill

Go Out = خاموش شدن (آتش)

The fire had gone out when I arrived

Novel = رُمان

He has written 10 novels so far

Come in = وارد شدن

Come in please

Poem = شعر

I love reciting poems

Observe = مشاهده کردن

she observed that all the chairs were already occupied

Behave = رفتار کردن

He knows how to behave to women





Ashamed = شرمنده

don't be ashamed.it happens

Description = توصیف

people who had seen him were able to give a description

Personality = شخصیت

I hate his pesonality

Fun = تفریح ، بامزه

It was fun

Such = چنین ، اینجور

Such animals need to be protected

After the meeting was over, he felt ----- when he remembered how rudely he had talked even to his very close friends.

- | | |
|----------------|----------------|
| 1) responsible | 2) contrasting |
| 3) ashamed | 4) extreme |

Although Tom had changed his voice while talking to me on the phone, I, nevertheless, recognized him very -----.

- | | |
|--------------|---------------|
| 1) commonly | 2) quickly |
| 3) regularly | 4) previously |





The night-shift workers were forced to stop working when the ----- went out; everywhere was dark, actually.

- | | |
|----------|---------|
| 1) rule | 2) fuel |
| 3) power | 4) coal |

There was a ----- on the board saying that the class had been cancelled.

- | | |
|------------|--------------|
| 1) notice | 2) guarantee |
| 3) pattern | 4) strategy |

His ----- in God gave him hope during difficult times.

- | | |
|------------|-------------|
| 1) belief | 2) answer |
| 3) problem | 4) research |

Alex is trying to ----- loving Jane, but I don't think he can do that.

- | | |
|-------------|----------------|
| 1) give up | 2) grow up |
| 3) study in | 4) change into |





Naomi put on a different kind of make-up as a(n) ----- and looked happily at her new face in the mirror.

- | | |
|---------------|----------------|
| 1) laboratory | 2) observatory |
| 3) experiment | 4) number |

Michael is a/an ----- boy and never quits trying until he gets what he wants.

- | | |
|--------------|--------------|
| 1) energetic | 2) famous |
| 3) weak | 4) difficult |

I haven't been to Canada -----, but I have read many books about its culture and people.

- | | |
|----------------|---------------|
| 1) fortunately | 2) suddenly |
| 3) nationally | 4) personally |

Everything she said was never right and really hard to believe. It was all her-----
-.

- | | |
|-------------|--------------|
| 1) science | 2) invention |
| 3) medicine | 4) action |





By solving a lot of math problems you can ----- your own analytical skills and logical abilities.

- | | |
|-------------|-------------|
| 1) converse | 2) identify |
| 3) develop | 4) interest |

He believes that money can ----- all his problems, but I don't think so.

- | | |
|---------|----------|
| 1) try | 2) solve |
| 3) seek | 4) save |

A: Can you ----- how old she is?

B: I don't know exactly. She looks older than me.

- | | |
|----------|-----------|
| 1) draw | 2) create |
| 3) guess | 4) build |

I was sad yesterday but I didn't say it. It is hard for me to ----- my feelings as well as you.

- | | |
|------------|------------|
| 1) express | 2) change |
| 3) create | 4) protect |



I won't go into ----- over the phone, but in short, I have got into some trouble and need help.

1) event

2) detail

3) object

4) brain

Japan is a country with a lot of seas. Japanese people make ----- food with fish.

1) golden

2) delicious

3) beautiful

4) careful

The scientists say it takes 165 years for Neptune to ----- around the Sun.

1) orbit

2) keep

3) come

4) fly

The amazing teacher taught the lesson ----- to help the weaker students.

1) patiently

2) angrily

3) generously

4) nationally

Those who ----- donate their organs to people in need, in fact, share their lives with them.

1) kindly

2) appropriately

3) historically

4) boringly

Don't ----- when you still have something to give, because nothing is really over until the moment you stop trying.

1) get around

2) donate

3) give up

4) grow up

The accident that happened in Chicago last night was in ----- a new political game for people to forget about the recent crisis.

1) belief

2) patient

3) notice

4) fact

The new research reveals that in a/an ----- way some animals' hearts pump blood more than one thousand times per minute around their body.

1) amazing

2) medium

3) uninterested

4) suitable

Some people always try to buy a top ----- product even if it is slightly more expensive.

1) nationality

2) success

3) belief

4) quality



When I was a child, we went on a school trip with our teacher to a / an ----- .
They even allowed us to see the stars through telescopes.

- | | |
|----------------|------------|
| 1) hotel | 2) museum |
| 3) observatory | 4) library |

Although the president cannot manage to control the increase in the prices, he
insist on ----- his programs against the crisis.

- | | |
|---------------|----------------|
| 1) increasing | 2) reporting |
| 3) defending | 4) identifying |

When I had broken my leg, it was ----- not being able to walk on both
legs.

- | | |
|------------|-------------|
| 1) strange | 2) suitable |
| 3) strong | 4) selfish |

In order to become better in life, it's always the best to ----- yourself to your
past self.

- | | |
|------------|-------------|
| 1) collect | 2) identify |
| 3) inform | 4) compare |





The hotel guest ----- his bags to his room all alone because there was no one to help him.

- | | |
|--------------|------------|
| 1) destroyed | 2) carried |
| 3) donated | 4) gave |

The doctor said, in order to keep him alive he needs to take medicines that has an effect on his important -----.

- | | |
|----------|-----------|
| 1) lives | 2) cells |
| 3) drops | 4) organs |

لغات درس ۴ دهم

Travel = سفر کردن

I travel to a lot of different cities

Attraction = جذابیت ، محل دیدنی

Tourist attractions are important to economy

Train = قطار

“A train to Busan” is the name of an exciting movie

Destination = مقصد

Our final destination was Shiraz

Locate = جایی را پیدا کردن ، جایی را مشخص کردن

I had to locate the tall building

سامانه امکان : آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





Hospital = بیمارستان

I was taken to hospital after the accident

Ancient = قدیمی ، کهن

Ancient history is very interesting

Billion = میلیارد

He is a billionaire

International = بین المللی

International airport

Desert = بیابان ، صحرا

Camels can live in deserts

Domestic = بومی ، داخلی ، اهلی

Domestic flights

Paradise = بهشت

It is paradise for tourists

Traditional = سنتی

Traditional parents can have a lot of problems with their children

Probably = احتمالاً

will probably rain

Choice = انتخاب

Choose me or you will die

سامانه امکان ؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





Respect = احترام

Respect your parents

Suggestion = پیشنهاد

I suggest that we wait a day or two

Plan = نقشه کشیدن ، طرح ، برنامه

Everything went according to the plan

Prepare = آماده کردن

Prepare yourself

Exactly = دقیقا

It was exactly how he described

Manner = رفتار، منش

didn't your mother teach you any manners?

Neat = تمیز ، مرتب

He is a neat boy

Honest = راستگو

I am an honest person

Obligation = مقصد ، التزام ، وظیفه

I am obligated to finish this



Possibility = احتمال

one possibility is to allow all firms to participate

Host = میزبان، میزبانی کردن

He used to be a host in a TV show

Across = از عرض، از این طرف به آن طرف

I ran across the street

Continent = قاره

What is the biggest continent?

Embassy = سفارت خانه

the Chilean embassy in Moscow

Experience = تجربه، تجربه کردن

he had learned his lesson by painful experience

Souvenir = سوغات

Every city has its special sovenir

Check in = پذیرش کردن، پذیرش شدن

They just checked in

Comfortable = راحت

I am uncomfortable



We want to spend our summer ----- in Damavand.

- | | |
|----------------|----------------|
| 1) vacation | 2) information |
| 3) destination | 4) suggestion |

When speaking to a(n) ----- visitor, it is perhaps better to speak English a little slower than usual.

- | | |
|-------------|------------------|
| 1) local | 2) domestic |
| 3) national | 4) international |

After a long discussion, they decided to ----- the new hospital out of the city where a large area of land can be found to be donated as charity.

- | | |
|-------------|------------|
| 1) increase | 2) respect |
| 3) locate | 4) donate |

The government's recent policy is to plan new strategies to protect ----- products against foreign ones.

- | | |
|-------------|-------------|
| 1) domestic | 2) ancient |
| 3) famous | 4) relative |

My dear Lily has got very old and this busy city life has no ----- for her; therefore, she has decided to live in a small village near the sea.

- | | |
|------------------|----------------|
| 1) entertainment | 2) possibility |
| 3) knowledge | 4) attraction |

Why are you leaving for the airport now? You don't have to be there so early for a ----- flight.

- | | |
|----------------|-------------|
| 1) traditional | 2) domestic |
| 3) contrastive | 4) popular |

We enjoyed traveling in Spain because people were kind and ----- to the tourists.

- | | |
|----------------|---------------|
| 1) hardworking | 2) hospitable |
| 3) serious | 4) important |

A: What is your ----- for future? B: I am going to be a tour guide. I like tourism.

- | | |
|-----------|----------|
| 1) plant | 2) plain |
| 3) planet | 4) plan |

I will ----- see you on Thursday, but I am not completely sure.

1) hardly

2) especially

3) properly

4) probably

I must remember to call my parents to tell them that I arrived ----- .

1) carefully

2) nationally

3) widely

4) safely

In these situations, we try to close the conversation by pointing out that the topics were ----- those to be covered in the discussion group.

1) exactly

2) rapidly

3) generously

4) orally

When speaking to a(n) ----- visitor, it is perhaps best to speak English a little slower than usual.

1) local

2) domestic

3) national

4) international

Mashhad is a famous tourist center because millions of ----- visit Imam Reza's holy shrine every year.

- | | |
|-------------|------------|
| 1) pilgrims | 2) deserts |
| 3) clear | 4) agents |

If you don't eat breakfast, you'll ----- be hungry during the morning and won't be as energetic at work as you could be.

- | | |
|--------------|---------------|
| 1) carefully | 2) probably |
| 3) daily | 4) especially |

A: What do you do for ----- on weekends?

B: I often stay at home and watch TV shows and movies.

- | | |
|------------------|----------------|
| 1) continent | 2) destination |
| 3) entertainment | 4) attraction |

I have seen many high buildings, but this is the highest one ----- in this part of the city.

- | | |
|--------------|--------------|
| 1) stated | 2) suggested |
| 3) activated | 4) located |

The doctor did everything to make sure that his patient would ----- his orders carefully to get better as soon as possible.

- | | |
|------------|------------|
| 1) follow | 2) express |
| 3) compare | 4) plan |

A more ----- explanation for these injuries was that they were caused by a car crash.

- | | |
|----------------|---------------|
| 1) domestic | 2) hospitable |
| 3) progressive | 4) probable |

The man said that it's too difficult to find a house in the price ----- we want. It seems they are very expensive.

- | | |
|----------|----------|
| 1) fact | 2) site |
| 3) range | 4) value |

When we travel to a foreign country, we should respect people's ----- and be careful about our behavior.

- | | |
|-------------|------------|
| 1) culture | 2) range |
| 3) vacation | 4) pilgrim |



The head of the company emphasized that the ----- markets have been completely filled with our company's products.

- | | |
|-------------|-------------|
| 1) healthy | 2) domestic |
| 3) balanced | 4) unique |

The view of the lake and the forest of the country in spring is a tourist's -----

- | | |
|-------------|------------|
| 1) nation | 2) culture |
| 3) paradise | 4) desert |

You as a student who wishes to enter a top university of the country have no ---- but to study as hard as you can; otherwise, you'll have to choose one that does not interest you at all.

- | | |
|----------|------------|
| 1) arrow | 2) choice |
| 3) image | 4) success |

Because of the bad weather, the plane will ----- arrive a little later than it should, so we may be late.

- | | |
|------------|-------------|
| 1) quietly | 2) probably |
| 3) usually | 4) quickly |





If you want to travel abroad, you need to have a ----- .

- | | |
|-------------|------------|
| 1) booklet | 2) nature |
| 3) passport | 4) pilgrim |

We didn't have any ----- . We had to stay in that dirty small house for the windy night.

- | | |
|---------------|------------|
| 1) plain | 2) choice |
| 3) attraction | 4) culture |

لغات درس ۱ یازدهم

Familiar: آشنا

To be familiar with: آشنا بودن با:

I am familiar with these words

Lot: جایگاه

There is No parking lot here

Besides: علاوه بر

Be sides my mother tongue

Fluently: سلیس و روان، راحت

He speaks French fluently

Region: ناحیه، منطقه

It is a great farming region

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





Exist: وجود داشتن

Does Water exist on the mars?

Native: بومی

Spanish is his native language

Range from: تنوع داشتن، در نوسان بودن

The prices range from \$5 to \$20

Meet the needs of: از پس نیازها بر آمدن

Solar power can meet the needs of this house

Century: قرن

We are living in the 21'st century

By means of: به وسیله ی، با استفاده از

I tried to explain the new words by means of sign language

Make up: ساختن، تشکیل دادن

Vary: تفاوت داشتن، متفاوت بودن

In some cities prices vary from shop to shop

Despite: علی رغم

Imagine enjoying the weekend, despite the bad weather.

Communicate with: ارتباط برقرار کردن با

People use different ways to communicate with each other.

Die out: نابود شدن

The language died out when its last speaker died

Disappear: ناپدید شدن

She disappeared

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





1. He is an excellent scientist, but he is totally unable to his knowledge to others.

a) interview

b) communicate

c) translate

d) makeup

2. The teacher the students as they got on to the bus.

a) experienced

b) researched

c) endangered

d) counted

3. We can't learn anything without mistakes.

a) keeping

b) making

c) giving

d) putting

4. Suddenly it went dark, the sun behind a cloud and it started to rain.

a) developed

b) disappeared

c) exchanged

d) protected

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





Frequently	اغلب، بارها، مرتب، دائم، پشت سر هم
Absolutely	کاملاً، قطعاً، صد در صد
Fluently	(سخن، گفتن، نوشتن) به روانی، سلیس
Nearly	تقریباً، حدوداً، کمابیش
Besides	علاوه بر این، به علاوه
Necessarily	لزوماً
Surely	حتماً
Largely	بیشتر، عمدتاً
At last	حداقل
Greatly	بسیار
Therefore	بنابراین
Luckily	با خوش شانس
Despite	علی رغم

1. To increase the quantity and quality of the products all machines in the production lines must be serviced... ..

- a) honestly
- b) fortunately
- c) carelessly
- d) frequently

2. Life was terrible for him. He had to look after his sister's children his own financial problems.

- a) besides
- b) but
- c) so
- d) however





3. Father got angry with me when he knew about the accident I had with his new car.

a) recently

b) absolutely

c) successfully

d) impossibly

4. I kept writing half an hour.

a) nearly

b) orally

c) valuably

d) quickly

5. She was good at physics the fact that she found it boring.

a) despite

b) besides

c) instead of

d) without

6. Reading news books and reading old stories can surely help children learn to read more

a) nearly

b) fluently

c) culturally

d) absolutely





Test Time

1. The service they have started is intended to the needs of students in different age groups.

سراسری انسانی 99

a) function

b) meet

c) range

d) obey

2. I can have it ready for next week.

..... you can get it done sooner than that. I know you are so quick

سراسری تجربی 98

a) really

b) surely

c) exactly

d) powerfully

3. Accepting that a problem exists is a giant step forward to try to find a solution to it.

سراسری تجربی 98

a) depend on

b) remove

c) forecast

d) notice



4. It is no surprise that Neil didn't learn much in that course; he actually didn't attend classes as as he should have.

سراسری تجربی 98

a) Really

b) necessarily

c) emotionally

d) regularly

5. In academic writing you need to support every generalization you make by means of examples.

سراسری زبان 98

a) developmental

b) interchangeable

c) flexible

d) specific

6. The fact that something is cheap doesn't mean it's of low quality.

سراسری زبان 98

a) previously

b) necessarily

c) terribly

d) nearly

7. You look very similar to me but I don't your name now.

سراسری ریاضی 98

a) realize

b) recall

c) express

d) speculate



10. Thinking that they would all punish her in one way or another, Miriam to tell her family what mistake she had made.

سراسری هنر 97

a) concerned

b) feared

c) prevented

d) embarrassed

11. Port Aransas is a city in which the people's income is entirely dependent on tourism. that is why they do whatever to make the city attractive for them.

سراسری ریاضی 97

a) exact

b) immediate

c) necessary

d) economical

12. Here in Paris, as well as just about everywhere these days it's possible to pay for everything with a credit card or a phone.

سراسری ریاضی 97

a) similarly

b) efficiently

c) softly

d) nearly





لغات درس ۲ یازدهم

Hang out: وقت گذراندن

Mahdi hangs out with his friends on Fridays

Jog: دویدن

I go out and jog everyday.

Jog someone's memory:

کسی باعث یادآوری چیزی شدن در ذهن

"I wanted to see if the clothes would jog her memory"

Couch potato: معتاد به تلویزیون

Behzad is a couch potato

Gain weight: وزن اضافه کردن

You have gained a lot of weight

Diet: رژیم غذایی

Americans don't have a healthy diet

Blood pressure: فشار خون

My uncle has high blood pressure

Measure: اندازه، اندازه گیری کردن

She took my measure for a coat

My sister measures herself every month.

Heart attack: حمله ی قلبی

Our neighbor had a heart attack





Serving: a quantity of food suitable for or served to one person.

One serving of food is not enough for them

Harmful(to): مضر برای

Smoking is harmful to everyone

habit: عادت

Arash has a bad eating habit

Addiction(to): اعتیاد به

Physical: جسمی

Swimming is a physical sport

Calm: آرام

My teacher has a very calm manner.

Emotional: احساسی، احساساتی

Her problem was emotional

Relationship: رابطه

I have a good relationship with my mother

Disorder: اختلال

Physical disorder

Influence: اثر گذاشتن

It influences our lifestyle





To have an influence on: اثر داشتن بر

It had a large influence on my life

To be an influence on someone:

برای کسی نقش الگویی داشتن، تاثیرگذار بودن بر شخصی

She is a good influence on me

Retire: بازنشسته کردن، بازنشسته شدن

I am going to retire this week

A **prefix** is a letter or a group of letters that comes at the beginning of a word. Each prefix has a meaning. For example:

PREFIX	MEANING	EXAMPLE
re-	again	rewrite: write again
un-	not	unimportant: not important
im-	not	impossible: not possible
in-		incorrect: not correct
dis-	not/opposite of	dislike: not like
mid-	middle	midday: the middle of the day

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





SUFFIX	FUNCTION	EXAMPLE
-er /-or	noun maker	write + -er = writ er translate + -or = translat or
-ness	noun maker	happy + -ness = happi ness
-ion /-tion /-sion	noun maker	create + -ion = creati on
-ful	adjective maker	use + -ful = use ful
-ous	adjective maker	danger + -ous = danger ous
-y	adjective maker	rain + -y = rain y
-al	adjective maker	nature + -al = natur al
-ly	adverb maker	slow + -ly = slow ly

Did she go to school in Karaj? No, she **grew up** in Lavasan.

Hurry up! We're late.

Sara **looked after** us very well. She's an excellent cook.

Turn off the washing machine. It's making too much noise.

James usually **wakes up** early. But today he's still asleep.





Would you like to leave a message? No, I'll **call back** later.

Have you **checked in**? Oh, yes. I am in my room now.

When did you **get up**? Early in the morning.

Has your father **given up** smoking? Yes, he knows smoking is harmful to his health.

Prepositions are words such as *at, by, for, against, after, about, for, on, in, with, without* and so on.

Here are some common examples of *prepositions + gerunds*:

- Parastoo is good **at speaking** and **writing** German.
- Alice is interested **in playing** tennis.
- What do you think **about living** in a village?
- Nancy and Margaret have plans **for doing** their homework soon.
- I am tired **of washing** the dishes.





Recreational	تفریحی	Certain	مشخص، معلوم، مطمئن، مسلم، حتمی
Impatient	بی حوصله	Particular	مخصوص، ویژه، مشخص، دقیق
Unsafe	نا امن	General	عمومی، همگانی، کلی، عادی
Regular	منظم	Social	اجتماعی، معاشرتی، دوستانه
Direct	مستقیم	Emotional	عاطفی
Various	متنوع	Worthy	ارزشمند، سزاوار، شایسته
Firm*	قدرتی	Effective	موثر، کارآمد، اثربخش

1. Stress can cause a variety of physical ranging from headaches to stomach ulcers.

- a) combinations
- b) disorders
- c) patients
- d) notices

2. The newly built bridge is not able to bear this much and is sure to fall down.

- a) layer
- b) labor
- c) entrance
- d) pressure





3. Why don't you stop smoking?

I'm afraid I can't. I have made several attempts to get rid of my cigarette smoking

a) fluency

b) addiction

c) addition

d) interview

4. There should be a very close between the lessons the students learn at schools and the need they are to face in future.

a) education

b) relationship

c) recreation

d) understanding

5. Students learn to take proper measure in situations like Tehran earthquake.

a) unnecessary

b) emergency

c) predictive

d) domestic

6. The fact that she is in the of discussing such things with the strangers is a mother of concern and I don't know how to make her believe that it isn't good.

a) care

b) search

c) attention

d) habit

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





7. He had no higher in chemistry, but he was able to teach it in high school as professionally as a trained teacher.

- | | |
|------------------|--------------|
| a) knowledge | b) education |
| c) understanding | d) invention |

8. It helps that my friends are fashion designers, filmmakers and chips: there is so little or lap between any of our jobs that we ... talk about them.

- | | |
|---------------|-----------|
| a) impossibly | b) rarely |
| c) loudly | d) orally |

8. It helps that my friends are fashion designers, filmmakers and chips: there is so little or lap between any of our jobs that we ... talk about them.

- | | |
|---------------|-----------|
| a) impossibly | b) rarely |
| c) loudly | d) orally |

9. The teacher seemed to be greatly impressed. The student, speaking and confidently, answered all the questions.

- | | |
|-----------|-----------|
| a) mainly | b) rarely |
| c) calmly | d) hardly |



10. The Passengers have been burnt too terribly that nobody is able to them.

a) imagine

b) carry

c) develop

d) identify

11. Would you please ... the desk to see whether it will fit into that corner or not.

a) guess

b) improve

c) weight

d) measure

Test Time

1. Are you going to working all night? I think you need to give yourself a break.

خارج کشور 99

a) give up

b) fall down

c) keep on

d) depend on

2. The children paid attention when the teacher began explaining what would be on the next big exam.

سراسری ریاضی 99

a) particular

b) popular

c) willing

d) amused

3. I think we should all respect nature and governments should do more to environmental damage.

سراسری ریاضی 99

a) require

b) prevent

c) protect

d) convert

4. The police are asked to take immediate action to further road accident.

سراسری ریاضی 98

a) save

b) defend

c) prevent

d) surround

5. The old man down the street always to himself. I just realized I don't even know his name.

سراسری ریاضی 98

a) keeps

b) cares

c) gives up

d) gets away

6. She believes that her husband has not done anything wrong and that he is now in prison for no good reason.

سراسری ریاضی 96

a) emotionally

b) necessarily

c) appropriately

d) firmly



7. The new factory produces high quality shoes in sizes and colors.

سراسری هنر 94

a) actual

b) various

c) flexible

d) continues

8. I would like to know how Helen managed to keep before examinations.

سراسری انسانی 94

a) firm

b) calm

c) similar

d) natural

لغات درس ۳ یازدهم

Achieve: به دست آوردن

he achieved his ambition to become a press photographer

Amused: سرگرم

We were amused by him

As follows: بدین شرح است

The winners were as follows-Ahmad and Hosein

Combination: ترکیب





Lend: قرض دادن

Will you lend me some money

Reflect on: تفکر کردن

Let me reflect on that for a minute

Hug: بغل کردن

I hugged him when I saw him

Miss: از دست دادن

I miss him

Greet: سلام و احوالپرسی کردن

I greeted her warmly

Artifact: محصول دست ساز

Attitude: رفتار، منش

His attitude has changed a lot

Well-known: شناخته شده

He is a well-known writer

Tilework: کار سفال، کاشی

A beautiful tilework

Sociable: اجتماعی، خونگرم

Recognize: شناختن، تشخیص دادن

سامانه امکان؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





Unique: منحصر به فرد

He has a unique appearance

Touching: متاثر کننده

He told us a touching story

Satisfied: راضی

I am satisfied with his services

Reference: منبع

Medical students should study reference books in order to become skillful doctors

Recognize: شناختن، تشخیص دادن

I recognized his face easily

Pass: گذراندن

I passed the test

Prize: جایزه

Price: قیمت

Proud: مغرور، مفتخر

I am so proud of my son

Pleasure: لذت، خوشی

she had not travelled for pleasure for a long time

Moral: اخلاقی، معنوی

Traditional moral values

Calligraphy: خوشنویسی

There is some amazing calligraphy in the museum

سامانه امکان : آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





Decide: تصمیم گرفتن

I decided to leave the room before they started fighting

Come from: به ئست آمدن از، اهل جایی بودن

Milk comes from cows

I come from Tehran

Confused: گیج

I am so confused

Tom's parents are fully ----- the academic progress he is making at college these days.

1) available to

2) satisfied with

3) enjoyable to

4) skillful in

My grandparents have been together for over 50 years and they still -----
-!

1) take care

2) get along

3) keep on

4) spare no pain

I am more on the side of people who ----- health above money; I believe health and happiness have a direct relationship.

1) hang

2) leave

3) value

4) identify



In my opinion, anyone with ----- values would do everything possible to avoid war.

- | | |
|-------------|---------------|
| 1) brave | 2) moral |
| 3) favorite | 4) hospitable |

With all his energy ----- already, the jogger was not able to take one more step ahead and so sat down to rest.

- | | |
|---------------|----------------|
| 1) turned off | 2) passed away |
| 3) used up | 4) given up |

The financial performance of the business is fully ----- to improve. That is why everyone in the company is so hopeful.

- | | |
|-------------|-------------|
| 1) realized | 2) followed |
| 3) expected | 4) explored |

Journalists sometimes promise to keep the ----- of their sources hidden.

- | | |
|---------------|-----------------|
| 1) ethics | 2) guides |
| 3) identities | 4) destinations |

The shirt is not ----- because the manufacturer has created millions of shirts just like it.

- | | |
|---------------|----------------|
| 1) serious | 2) traditional |
| 3) decorative | 4) unique |

They need to employ some young engineers with ----- thinking to make better these terrible conditions.

- | | |
|-------------|--------------|
| 1) artistic | 2) fortunate |
| 3) creative | 4) cheerful |

In our country, each village has got its own ----- and the rural people work on them to make money.

- | | |
|----------------|---------------|
| 1) experiences | 2) strategies |
| 3) handicrafts | 4) heartbeats |

We had some unsolvable problems in the process of ----- the data for the research.

- | | |
|---------------|-----------------|
| 1) protecting | 2) appreciating |
| 3) creating | 4) collecting |



لغات درس ۱ دوازدهم

Sense = حس ، احساس کردن ، درک کردن

Appreciation = قدردانی ، درک

He has a great sense of appreciation

Appreciate = ارزش نهادن ، درک کردن

I appreciate it

Boost = تشدید ، بالا بردن ، تشویق کردن ، تقویت

Boost up his confidence

Get Better = بهتر شدن

I hope you get better soon

Temperature = دما ، درجه ، حرارت

Take SB's Temperature = درجه حرارت کسی را اندازه گرفتن

The doctor took my temperature

Found = تاسیس کردن ، بنیان نهادن

He founded the company 10 years ago

Spare = مضایقه کردن (وقت و پول)

He spared no pains

Dedicate = (وقت و ...) صرف کردن ، وقف کردن

I dedicated three years of my life





Regard = در نظر گرفتن ، توجه کردن به

He is regarded as a smart student

Pity = دلسوزی ، مایه تأسف

It is such a pity

Distinguish = تشخیص دادن ، تمیز دادن

I was able to distinguish him

By the way = راستی ، ضمناً

By the way, I saw him near the lake

(to be) hard of hearing = سنگین بودن گوش

My grandmother is hard of hearing

Lap = روی پا ، دامن

She sat on her mother's lap

Burst = از هم پاشیدن ، ترکیدن

She burst into tears

Repeatedly = مکرراً ، بارها

they have been warned repeatedly

Forgive = بخشودن ، عفو کردن

Forgive me for all my sins

Calmly = به آرامی

She was speaking calmly





Diary = دفتر خاطرات

She was reading her sister's diary

Ethic = اخلاق

many scientists question the ethic of cruel experiments

Ethical = اخلاقی

Ethics: علم اخلاق

I chose to study ethics

Inspiration = الهام ، الهام بخشی

He is an inspiration to all of us

Strength = قدرت ، نیرو

Physician = پزشک

Generation = نسل ، تولید

Generate = تولید کردن

His plans generated a lot of new jobs

Meaningful = پر معنا ، معنا دار

Record = ضبط شدن ، ثبت شدن

Countless = بی شمار

Process = فرآیند ، روند ، رسیدگی کردن

Brain can process a lot of information

Surprisingly = با کمال تعجب ، به طور شگفت آوری

Discover = کشف کردن ، فهمیدن

A new element was discovered yesterday

سامانه امکان ؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app



Accidentally = تصادفاً ، به صورت تصادفی

Ordinary = عادی ، معمولی

She seemed very ordinary

Whereby = به موجب آن ، طبق آن

Along with = همراه با

I was chosen, along with twelve other artists

On the other hand = از طرف دیگر

Elicit = موجب شدن ، برانگیختن ، بیرون کشیدن

I tried to elicit a smile from Joanna

Care for = مراقبت کردن ، دوست داشتن

Confirm = تایید کردن

Heritage = میراث

We have a rich heritage

Belonging = (۱) متعلقات ، دارایی (۲) تعلق ، وابستگی

we feel a real sense of belonging

Responsibility = مسئولیت ، وظیفه

a true leader takes responsibility for their team and helps them achieve goals

Principle = اصل

Moral = اخلاقی

Moral principles

Willing = علاقه مند ، مشتاق

I am willing to do so

Blessing = نعمت ، موهبت

Bring up = پرورش دادن ، بزرگ کردن
She was brought up by her uncle
Replace = جانشین کردن ، جانشین شدن
Memory = خاطره ، حافظه
Guideline = دستورالعمل ، راهبرد
Description = توصیف ، شرح

Go together = به هم آمدن
Some colors don't go together
By heart = از حفظ
Provide = تامین کردن ، تهیه کردن
Uncertainty = بی اعتمادی ، عدم اطمینان
Elderly = پا به سن گذاشته
We should provide everything for our elderly

At the end = در پایان

Loving = با محبت ، رفتار محبت آمیز
Loving attention
Aloud = با صدای بلند
She was reading aloud
Hate = متنفر بودن
Peaceful = صلح آمیز ، آرام



Agreement = توافق نامه

They had an agreement

Receive = دریافت کردن

Cruel = بی رحم ، سنگدل

Lazy = تنبل

Compound = مرکب ، ترکیب کردن

Compound effect

Sound = صدا کردن ، به نظر آمدن

Diploma = مدرک دیپلم

Friendly = دوستانه

Addition = جمع ، افزایش

In addition to their normal salary they were paid 200 dollars

Contrast = تضاد ، تقابل ، مقایسه کردن

Feed = تغذیه کردن ، غذا دادن

Quantity = حجم ، کمیت

Author = نویسنده

Look Back = به عقب نگاه کردن





Childhood = دوران کودکی

Text book = کتاب درسی ، درسنامه

Respect = احترام ، احترام گذاشتن

Function = کارکرد ، کاربرد ، نقش

It can not function very well without enough fuel

Grand Child = نوه

Kiss = بوس ، بوسه

Religious = مذهبی

Hence = بنابراین ، در نتیجه ، به این دلیل

Failure = شکست

Deserve = مستحق بودن ، سزاوار بودن

Honor = افتخار ، احترام

Worthy = شایسته ، درخود

Lack = فقدان ، کمبود

Lack of confidence

Curious = کنجکاو

Challenge = مبارزه طلبی ، چالش



لغات درس ۲ دوازدهم

up Look = جستجو ، گردش

Look it up in your dictionary

Compile = تالیف کردن ، تنظیم کردن

They should compile a list of the names

Lingual = زبانی

Magnify = بزرگ کردن ، اغراق کردن

Magnifier: ذره بین

Recommend = توصیه کردن

It is highly recommended

Suppose = فرض کردن ، فکر کردن

"I suppose you mean "cruel

Elementary = مقدماتی ، ساده ، بدیهی

Advanced = پیشرفته

Intermediate = میانه ، واسطه ، در سطح متوسط

Abbreviation = اختصار ، کوتاه نوشت

SKU is the abbreviation for Stock Keeping Unit





Contain = شامل بودن ، جاری بودن

It contains some harsh scenes

for Stand = نشانه چیزی بودن

BBC stands for British Broadcasting Corporation

out Figure = کشف کردن ، سر در آوردن

They never figured out how it happened

Combination = ترکیب

It is a combination of ice and fire

Introduction = معرفی ، مقدمه

Arrange = ترتیب دادن چیزی

Definition = تعریف

Essential = ضروری ، حیاتی

It is essential to follow the news

Expand = گسترش دادن ، ضبط شدن

They expanded their company

Origin = مبدأ ، منشأ ، اصل





Related = مرتبط ، مربوطه

Complicated = پیچیده

Things were so complicated that we decided to call the police

Primarily = اساسا

around 80 per cent of personal computers are used primarily for word processing

Suffer = متحمل شدن ، رنج بردن

She suffers from mental illness

Aid = کمک

First aid kit

Transmit = ارسال کردن ، فرستادن ، انتقال دادن

knowledge is transmitted from teacher to pupil

Immediately = بلافاصله

Education = تحصیل ، آموزش

Order = سفارش دادن ، سفارش ، ترتیب ، دستور دادن

Tip = نکته ، پند





Throughout = سراسر

The news were heard throughout the world

Entire = تمام ، کامل ، همه

The entire session

Wisely = عاقلانه

he budgets carefully and spends wisely

of Think = فکر کردن به

think of the pain your family is going to feel

Although = با وجود اینکه ، اگر چه

Exclamation = تعجب ، اظهار شگفتی ، بانگ

Whereas = در حالی که

All of my sisters are doctors, whereas I am a teacher

Anthill = لانه مورچه

Thus = بنابراین

Thus, pasta takes a longer time to cook

to Stick = چسبیدن به

Let's stick to the plan





Scale = میزان ، سنجش ، معیار

On scale of 1 to 10

Crowded = شلوغ ، پر جمعیت

We should avoid crowded places

Infection = عفونت

The infection spread

Through = از طریق ، از میان

I can see you through the window

Heavily = به شدت

Attack = پرداختن ، دست به کار شدن، حمله کردن

Let's attack the problem

Destructive = مخرب

Destructive storms

Surrounded = احاطه کردن ، محاصره کردن

He was surrounded wit enemy

Phrase = عبارت

Insect = حشره

سامانه امکان ؛ آموزش مجازی کنکور

www.Emkan.app





of host A = شمار زیاد ، بسیار

A host of people

Mind = ذهن ، روان

The story of a beautiful mind

Purpose = هدف

Corresponding = متناظر ، مطابق

As the cost of steel goes up, expect to see a corresponding .increase in building costs

Scavenge = زباله گردی کردن

Rats are famous scavengers



If they know the cause of the problem, they might be able to ----- how to prevent it from happening again.

1) keep on

2) give up

3) turn around

4) figure out





This business company needs a ----- secretary-a secretary who can speak Arabic besides her own native language.

- | | |
|-----------------|----------------|
| 1) familiar | 2) bilingual |
| 3) intermediate | 4) hardworking |



One in four people will ----- some kind of mental illness at some point in their lives.

- | | |
|-------------|----------------|
| 1) care | 2) produce |
| 3) stick to | 4) suffer from |





Considering the farmers' few ----- and poor equipment, many people believe that they would not be able to handle their problems, but the farmers are ready to do their best to prove those people wrong.

- | | |
|--------------|--------------|
| 1) climates | 2) patterns |
| 3) nutrients | 4) resources |



When you face an unfamiliar word, you had better ----- its meaning in a bilingual dictionary.

- | | |
|-------------|------------|
| 1) think of | 2) keep to |
| 3) look up | 4) keep on |





Having to pay out ----- for car repairs made a big hole in my savings.

- | | |
|---------------|-----------------|
| 1) safely | 2) absolutely |
| 3) carelessly | 4) unexpectedly |



A dictionary ----- is a set of information that describes a word or phrase.

- | | |
|-----------------|----------------|
| 1) abbreviation | 2) calligraphy |
| 3) guide | 4) entry |





The new computer system is so ----- that no one at the office is able to use it properly.

1) serious

2) skillful

3) complicated

4) distinguished



It is really surprising to know that bees must ----- nectar from four million flowers to make a kilo of honey.

1) complete

2) boost

3) deserve

4) collect





Based on the recent studies, nearly one billion people around the world lack ----- to clean, safe water.

- | | |
|-----------|---------------|
| 1) access | 2) choice |
| 3) entry | 4) connection |



There is no doubt that playing with friends is a(n) ----- part of the social development of a child.

- | | |
|----------------|---------------|
| 1) conditional | 2) commercial |
| 3) essential | 4) ancient |





Our teacher warned us that the ----- of these chemicals can cause a serious danger.

- | | |
|----------------|------------------|
| 1) condition | 2) coordination |
| 3) combination | 4) consideration |



After days and days of searching, he found it a lot more difficult to find a job than he ----- it would be.

- | | |
|-------------|-------------|
| 1) compared | 2) avoided |
| 3) supposed | 4) prepared |





When you get old and married, you'll find yourself ----- with such endless problems such as looking for an apartment and etc.

- | | |
|---------------|----------------|
| 1) introduced | 2) recommended |
| 3) rearranged | 4) surrounded |



You should avoid ----- this to anybody else. It is absolutely necessary to keep it as a secret.

- | | |
|----------------|---------------|
| 1) describing | 2) mentioning |
| 3) discovering | 4) respecting |





لغات درس ۳ دوازدهم

Renewable = تجدید پذیر ، قابل تجدید

Source = سرچشمه ، منشاء ، منبع

Renewable source of energy

Resource = ذخایر ، منابع

Natural resources

Result = نتیجه ، حاصل ، به بار آوردن ، انجامیدن

It resulted in a

Show me the results

Heat = گرما ، گرم کردن

Cool = خنک ، سرد ، آرام ، خنک کردن ، فروکش کردن

Light = روشن کردن ، نور ، سبک

Light a fire in the fireplace

Convert = گرویدن ، تبدیل شدن ، نو کیش

He converted to Islam

Opposite = روبرو ، متقابل ، متضاد ، مخالف

Opposite side

Blow = وزیدن ، فوت کردن ، فوت



Remind = یاد آوردن ، یادآوری کردن

You remind me of your father

Pollute = آلوده کردن

Cars pollute the atmosphere

Consume = مصرف کردن

Consumers were not satisfied

Variety = تنوع ، گوناگونی

Replace = جانشین کردن ، سر جا گذاشتن

Use up = تمام کردن

They used up all the energy

Demand = تقاضا ، تقاضا کردن

It demands full concentration

Absorb = جذب کردن

Trees absorb CO₂

Take in = حاوی بودن ، شامل بودن ، جذب کردن

There was so much information that it was hard to take it all in.

Radiation = تابش ، اشعه ، تشعشع

Cooperate = همکاری کردن

They cooperated with the police

Practical = عملی ، شدنی ، واقعی

Your plans are not practical

Put back = گذاشتن سر جای خود

Consist = شامل بودن ، تشکیل شدن

Coal consists mostly of carbon.

Kinetic = حرکتی ، جنبشی

Arrangement = چیدمان ، تدارکات

Basis = اساس ، پایه ، مقدمات

Likelihood = احتمال

young people who can see no likelihood of finding employment

Counterpart = همتا ، رقیب

the minister held talks with his French counterpart

Flock = ازدحام کردن

Hatch = روی تخم نشستن ، سر از تخم درآوردن

Sight = دید ، بینایی

Dread = وحشت

Obey = اطاعت کردن ، فرمان بردن

Obey the rules

Revolve = چرخیدن ، دور زدن

His life revolves around playing basketball.

Come up with = پیدا کردن ، به فکر رسیدن

I came up with an idea

Spoil = خراب کردن ، فاسد شدن

Lead = هدایت کردن ، راهنمایی کردن

Visible = مرئی ، آشکار ، پیدا

Count = شمردن ، حساب کردن



Supply = ذخیره ، تأمین ، تهیه کردن

Organize = سامان دادن ، مرتب کردن

Inform = اطلاع دادن

Principal = رئیس ، مدیر

Clue = سر نخ ، اثر

They found a clue that could lead them to him

Margin = حاشیه

Separate = جدا ، مجزا ، جدا کردن

Do not separate them from their parents

Wait for = منتظر شدن برای

Turn off = خاموش کردن

Proverb = ضرب المثل

Catch = گرفتن

Feather = پر

Up to = تا حد

the process is expected to take up to two years

Shiny = درخشان ، براق

Directly = مستقیماً ، درست ، به صورت مستقیم



Include = شامل شدن ، گنجانیدن

It includes every student

Give off = تراوش کردن ، بیرون دادن

When they die, plants give off gases such as carbon dioxide and methane.

Apply for = درخواست دادن برای

He applied for the job

Component = جزء ، مولفه

Namely = یعنی

the menu makes good use of Scottish produce, namely game and seafood"

Conclude = نتیجه گرفتن

It can be concluded from the passage

Explain = شرح دادن ، توضیح دادن

Explain it me you stupid person

(to be) made form = ساخته شدن از

Distance = فاصله

Load = بار

the increased load on the heart

Borrow = قرض گرفتن ، امانت بردن

Come from = اهل جایی بودن ، از جایی درآمدن

Stable = پایدار

Check with = چک کردن با ، هماهنگ کردن با

Look for = جستجو کردن ، دنبال گشتن

Remote = دور

Remote places

Equivalent = معادل ، هم ارزش ، برابر

"one unit is equivalent to one glass of water

Alternative = جانشین ، جایگزین

What is our alternative plan?

Therefore = بنابراین

he was injured and therefore unable to play

Garbage = زباله

Pay for = پرداختن

Landfill = خاکچال ، مدفن زباله

Plug in = به پریز وصل کردن ، به برق زدن

Deal with = پرداختن به ، بررسی کردن

I am going to deal with it

Overcome = غلبه کردن

She overcame cancer

Constantly = دائماً

the world is constantly changing

1. He received a phone call from the store telling him that someone had to be home to accept ... of the package they have ordered.

سراسری تجربی 99

a) delivery

b) discount

c) demand

d) access

2. ... filled the minds of all the passengers aboard the falling airplane.

سراسری تجربی 99

a) Dread

b) Emotion

c) Disorder

d) Pain

3. Henry likes to take long showers and all the hot water before others get a chance to bath.

سراسری ریاضی 99

a) fall down

b) pass away

c) use up

d) turn off

4. A proper diet, a balanced life style, practicing a sport and avoiding can help us live healthy and long life.

سراسری تجربی 98

a) fuels

b) chemicals

c) pleasures

d) additions

5. With all his energy already, the jogger was not able to take one more step ahead and so sat down to rest.

سراسری زبان 98

a) turned off

b) passed away

c) used up

d) given up

6. As a student, you should any fear you might have and take part in classroom discussions as much as possible.

سراسری ریاضی 98

- | | |
|-------------|-------------|
| a) release | b) suffer |
| c) separate | d) overcome |

7. Training is provided, so no previous experience is for the job.

سراسری هنر 98

- | | |
|-------------|-------------|
| a) enhanced | b) designed |
| c) received | d) required |

9. In wintertime the town becomes crowded because many people from the villages come there to work.

سراسری انسانی 97

- | | |
|---------------|----------------|
| a) attaching | b) advertising |
| c) connecting | d) surrounding |

10. Jamie has been in a ... state of pain ever since he was injured in a car accident.

سراسری تجربی 97

- | | |
|-------------|-----------|
| a) constant | b) common |
| c) direct | d) human |



11. We ought to continue using fossil fuels until we manage to find cleaner ... of energy.

سراسری زبان 95

a) cases

b) qualities

c) sources

d) partners

12. Mr. Karimi ha always been dreaming of traveling to Lands, particularly the ones in South America.

سراسری انسانی 94

a) global

b) complex

c) flexible

d) distant

13. You should prepare all your carefully before applying for a passport .

سراسری هنر 94

a) comments

b) documents

c) occasions

d) statements





زبان انگلیسی کنکور

پرہام سہدی

WWW.EMKAN.APP





این مجموعه همراه تدریس ویدیویی دوره
آموزشی سامانه امکان می باشد و به تنهایی
قابل استفاده و بهینه نمی باشد

درک متن

تکنیک های درک متن
بخش اول: آشنا شدن با فرم کلی
سوالات و تکنیک های جزئی برخورد با
هر سبک



PASSAGE 2:

To start with, we cannot go on using oil for ever. We can do so for a few more decades—perhaps until 2070, then it will run out. There will be none left—or at least, there will be hardly any left.

At present, there is still plenty of oil under the ground. There is oil under the North Sea and under the Atlantic Ocean. Engineers keep finding new sources of oil. But there are some realities which cannot be avoided. The quantity of oil under the ground and under the sea is not infinite. It will not last for ever. As oil becomes rarer, it will become harder to extract. It will also become more and more expensive. It will, therefore, become more expensive than other fuels. Oil will always cause pollution. Of course, there are also other truths: Scientists are making new forms of oil, using plants. Most of the oil that we eat comes from plants; and it is sometimes possible to make petrol from this oil. For instance, some types of diesel-fuel already contain sun-flower oil.

Sun-flower oil is cleaner than mineral oil, so it causes less pollution. But perhaps in the long term, vegetable oils are not a good solution for the future; in the future we may need all the land for producing food.

In reality, the future will have to be a future without oil—or with very little oil. Scientists are already developing cars, houses and plastics that do not use oil. Electricity will be the energy of the future, but it will have to be clean electricity.

- 97- The phrase “run out” in paragraph 1 is closest in meaning to -----.
- 1) appear 2) lower 3) end 4) exist
- 98- The passage suggests that at present oil -----.
- 1) can meet human needs for energy
2) is too hard to get from under the ground
3) can be found under the seas and oceans more
4) is located more under the ground than under the oceans
- 99- Which of the following is true about sun-flower oil, according to the passage?
- 1) It can be used as fuel to drive cars.
2) It comes from sources other than plants.
3) It causes as much pollution as mineral oil.
4) It seems to be the final answer to our energy needs.
- 100- The passage would most probably continue with a discussion of -----.
- 1) the clean energy of the years ahead
2) other problems related to the use of oil
3) the role of energy in scientific developments
4) steps to take to solve oil-related technological problems



سوالات جزئیات متن

این سوالات از ما درباره ی "چگونه، چرا، چه هنگام و" سوال می کنند. معمولاً آدرس یک پاراگراف یا یک کلمه ی خاص و مشخص در صورت سوال وجود دارد که در واقع ما را به قسمتی از متن سوق می دهد. شیوه ی رایج اسکن کردن متن است.

الگوریتم حل:

۱. ما در صورت سوال یا در گزینه ها واژه یا عبارتی کلیدی (کلمه یا عبارتی متمایز مثل اسم خاص، تاریخ و) را شناسایی می کنیم. پیشنهاد من این است که پس از برخورد با هر یک از این موارد خاص زیر آن ها خط بکشیم.
۲. سراغ آن واژه یا مترادف آن واژه در متن می رویم. (scan)
۳. جمله ی مربوطه را به دقت می خوانیم تا جزئیات را متوجه شویم

صورت این سوالات را عباراتی مثل عبارت زیر شامل می شوند.

- According to the passage/paragraph 1
- true /false
- correct/incorrect
- it is stated/mentioned.....in the passage that





The American black bear (*Ursus americanus*) is a medium-sized bear native to North America. It is the continent's smallest and most widely distributed bear species. American black bears are omnivores (like humans), with their diets varying greatly depending on season and location.

They typically live in largely forested areas but will leave forests in search of food. They are sometimes attracted to human communities because of the immediate availability of food. The American black bear is the world's most common bear species. The fur, though usually black, is not always this color. Some subspecies do not show as black.

They move in a rhythmic, sure-footed way and can run at speeds of 25 to 30 miles per hour (40 to 48 km/h). American black bears have good eyesight and have been proven experimentally to be able to learn visual color discrimination tasks faster than chimpanzees and just as fast as domestic dogs.

According to the passage which one is true about black bears?

- 1) *Ursus americanus* is the largest bear species of the world
- 2) Black bears cannot run 45 kilometers per hour
- 3) They eat nothing but plants
- 4) They are located almost all over north america





سوالات ارجاع

در برخی سوالات زیر یک ضمیر خط کشیده شده است و از ما درباره ی مرجع آن سوال می کنند.

الگوریتم حل:

بهترین روش پاسخگویی به سوالات مرجع ضمیر، جا گذاری گزینه های داده شده و بررسی مفهوم جمله ی حاصله است.
همچنین مرجع ضمیر معمولاً قبل از ضمیر می آید پس بهترین مکان برای جستجوی مرجع ضمیر در کلمات و جملات قبل از ضمیر است

At first films were only a few minutes long.
they were black and white and silent.they were usually
documentaries about different places.
later they became longer stories but still there was no sound.

The word “they”in paragraph 2 refers to.....

- | | |
|--------------------|-----------------|
| 1)Films | 2)documentaries |
| 3)different places | 4)stories |

ترادف یابی برای لغات جدید

گاهی اوقات در متن لغاتی مطرح می شود که برای ما ناشناس هستند و سوال از ما مترادف این لغات را می خواهد.
فرم این سوالات به شکل زیر است:

The word/phrase X is closest in meaning to.....





الگوریتم حل:

بهترین راه حل این سوالات توجه به متن همراه (context) و تلاش برای یافتن نشانه ها برای زدن حدسی منطقی درباره ی معنای آن واژه است. حدس زدن نقش گرامری آن واژه هم کمک شایانی به ما می کند. (این که آیا واژه اسم است یا صفت است یا) از موثر ترین روش ها برای پاسخ به این تیپ سوال جاگذاری گزینه ها است.

The hurricane ,a super strong storm, demolished all the houses by the shore. Nobody could imagine its power to break things down.

The word “demolish” is closest in meaning to.....

- 1)turned 2)destroyed
3)building 4)boost

درک ایده ی اصلی (main idea)

از پر تکرار ترین سوالات درک متن، درک ایده ی اصلی متن یا پاراگراف است. یعنی جمله ای که بیانگر موضوع اصلی پاراگراف یا متن است. هدف اصلی نویسندگان از نوشتن پاراگراف، برآیند موضوع همه ی پاراگراف های یک متن. فرم کلی سوالات این بخش:

Main idea/subject of the passage &.....





الگوریتم حل:

در اکثر مواقع اولین جمله ی متن بیانگر موضوع اصلی است. علاوه بر این مقایسه ی گزینه ها موثر است. گزینه های بیش از حد جزئی یا بیش از حد کلی را رد می کنیم. گزینه ای بهترین انتخاب است که کل متن را پوشش دهد.

Basketball is known as a sport with a lot of different benefits. Playing basketball is an amazing way to keep fit. it keeps body in shape and makes the muscles grow. The rules are simple but becoming an expert needs a lot of exercise. The best basketball players are mostly gathered in the NBA. Basketball can be an amazing way to a healthy lifestyle.

What is the main idea of this passage?

- 1) The best basketball players of the world
- 2) NBA
- 3) The rules of basketball
- 4) Basketball from different angles





بررسی این سوالات فراتر از بررسی صرف متن است. این سوالات منظور باطنی یا حتی احساس نویسنده را از بیان یک مطلب سوال می کنند. ما نباید در این سبک سوالات به ظاهر متن بسنده کنیم و باید مفاهیم غیر صریح موجود در متن را برداشت کنیم.

در این سوالات به این افعال بر خورد می کنیم

Imply: مطلبی را به صورت ضمنی رساندن

Emphasize: تاکید کردن

Define: تعریف کردن

Suggest/advice: پیشنهاد دادن، مطرح کردن

Indicate: نشان دادن، بیانگر چیزی بودن

Infer: استنتاج کردن

It is really irresponsible to see animals as stupid creatures with no sense of respect. Those who behave badly towards animals must be punished without hesitation.

It can be inferred from the passage that the writer has been.....about a subject.

- | | |
|------------|----------|
| 1)Angry | 2)happy |
| 3)confused | 4)unsure |





Michael Jeffrey Jordan (born February 17, 1963), also known by his initials MJ, is an American former professional basketball player and the principal owner of the Charlotte Hornets of the National Basketball Association (NBA). He played 15 seasons in the NBA, winning six championships with the Chicago Bulls. His biography on the official NBA website states: "By acclamation, Michael Jordan is the greatest basketball player of all time." He was integral in helping to popularize the NBA around the world in the 1980s and 1990s, becoming a global cultural icon in the process.

Jordan's talent was clear from his first NBA season; by November he was being compared to Julius Erving. Larry Bird said that rookie Jordan was the best player he had ever seen, and that he was "one of a kind", and comparable to Wayne Gretzky as an athlete.

It can be concluded from the passage that Wayne Gretzky.....

- 1) Was a basketball player himself
- 2) Was a friend of Michael Jordan
- 3) Was a legendary athlete
- 4) Was Jordan's coach





درک متن : بخش دوم (حل سوالات)

Once, the traditional British holiday was a week at the seaside-either in the UK or somewhere with more reliable weather like the Mediterranean. But recently, holidaymakers have been looking for a different holiday experience. Perhaps inspired by wildlife documentaries on television, tourists have been flocking to places like Kenya and South Africa for safaris and bush camp holidays. Interest in China has been growing too. About half a million UK tourists have visited China on cultural tours since the 2008 Olympic Games. Meanwhile, tour companies have been promoting the traditional package holiday with a new twist to attract more customers-but with mixed results. One holiday operator has filled all the places on its spa holidays in Spain for this season, but they have sold only half of their available luxury breaks in Egypt.

One of the most notable changes is that the older generation of British holidaymakers has been travelling like never before. The number of holidaymakers over 60 has doubled in the last three years. Cruise destinations in the Caribbean or even to Antarctica are no longer just for young adventurers.

What does the passage mainly discuss?

- 1) Tradition and modernity
- 2) Tourism on the rise in the UK
- 3) A change in a traditional pattern
- 4) The older generation of British holidaymakers





All of the following are mentioned as places that have gained more attraction for UK holidaymakers than before EXCEPT -----.

- | | |
|----------|-----------------|
| 1) China | 2) Egypt |
| 3) Kenya | 4) South Africa |

Which of the following could best be concluded from the passage?

- 1) The 2008 Olympic Games were held in an East Asian country.
- 2) British people are very much interested in athletic games than culture.
- 3) Most British people go abroad for swimming in the sea or spending time at the seaside.
- 4) The habits of the older generation in Britain were healthier than those of the younger generation.

According to the passage, Antarctica used to have not much attraction for -----.

- 1) young British holidaymakers
- 2) people of the older generation in the UK
- 3) those involved in arranging tour destinations
- 4) people living in European countries other than the UK





No one knows who invented pencils or when it happened. A Swiss described a pencil in a book in 1565. He said it was a piece of wood with lead inside it. (Lead is a very heavy, soft, dark gray metal.) Pencils weren't popular, and people continued to write with pens. They used bird feathers as pens.

Then, in 1795, someone started making pencils from graphite, and they became very popular. Graphite is like coal. (Coal is black, and we burn it for heat and energy.) Today, people make pencils in the same way. They grind the graphite, make it into the shape of a stick, and bake it. Then they put it inside a piece of wood. One pencil can write 50,000 English words or make a line 55 kilometers long.

People wrote with feather pens and then used pens with metal points. They had to dip the point into ink after every few letters. Next, someone invented a fountain pen that could hold ink inside it. A fountain pen can write several pages before you have to fill it again.

Two Hungarian brothers, Ladislao and Georg Biro, invented the ballpoint pen. They left Hungary and started making ballpoint pens in England in

1943, during World War II. English pilots liked the pens. They couldn't write with fountain pens in airplanes because the ink leaked out. Later, a French company called Bic bought the Biro's company.

Some people call ballpoint pens "Bics." Australians call them "biros." Whatever we call them, we use them every day.





What is the best title for the passage?

- 1) Advantages of Pens
- 2) A Big Change in Writing Style
- 3) A Brief History of Pencils and Pens
- 4) The Most Important Human Invention

Which one of the following statements is TRUE about graphite, according to the passage?

- 1) It is used to produce energy for warming people.
- 2) It is a material form which coal is made.
- 3) It naturally comes in the shape of sticks.
- 4) It is used in the manufacture of pencils.

Why does the author mention "pilots" in the passage?

- 1) To show an advantage of a specific kind of pen
- 2) To introduce the true inventors of ballpoint pens
- 3) To tell the reader that need is the mother of invention
- 4) To discuss the role of writing in the development of airplanes





The phrase the ink in paragraph 4 is the ink -----.

- 1) inside the pens that were actually made by the two Hungarian brothers
- 2) inside the fountain pens pilots used for writing while flying their planes
- 3) English pilots began to use after they got ballpoint pens
- 4) produced and supplied by a French company known as Bic





Although milk is made up mainly of water, it contains nearly all the food substances needed by the body. That is why it is a valuable drink for children and is used in so many different ways in our diet.

Milk looks white because it contains a protein (body-building substance) called casein. Through a microscope floating globules (small drops) of fat can be seen in milk. The layer of cream which floats on the top of milk is made up of fat globules. As well as casein and fat, which can both be seen, milk also contains a type of sugar called lactose dissolved in it. Minerals,

particularly calcium and phosphorus (which are important in forming bones and teeth) and most of the vitamins essential for life and health are also contained in milk.

Milk is produced by all female mammals to feed their young for the first part of their lives. All young mammals, from whales to babies, have milk for their first food. Because milk is a useful food for adults as well as for babies and children, people have kept animals for their milk from very early times.

Among most English-speaking people the cow is the main provider of milk. In Spain and Greece the sheep and the goat are the chief milk-producing animals. The camel provides milk to the desert tribes of Arabia, and in Egypt the water buffalo is a source. The reindeer furnishes milk to people living in Lapland. Mongolian tribes drink mare's milk. In Peru the llama is a milk-producing animal. In Tibet the people get milk from the yak. However, in certain countries, notably China and Japan, milk has never been an important part of the diet and dairy animals are not kept.





What basic question is paragraph 2 intended to answer?

- 1) How is milk processed and produced?
- 2) Why does milk look like what it does?
- 3) What can be produced out of milk?
- 4) What does milk consist of?

The word "it" in paragraph 2 refers to -----.

- | | |
|----------|-----------|
| 1) sugar | 2) fat |
| 3) milk | 4) casein |

It can be understood from the passage that the value of milk -----.

- 1) was made clear to men when they observed animal behavior
- 2) is not yet known to people of different ages
- 3) was brought to surface due to technology
- 4) was known to people of old times





According to the passage, all of the following are true EXCEPT that -----
---.

- 1) people in all European countries use the cow to get milk
- 2) there are countries in which milk is not an essential part of their people's diet
- 3) the main animals that are used to provide milk may differ from country to country
- 4) the desert tribal people in Arabia actually use the camel as the source for the milk they consume





Men and women define "best friend" in the same way-a person who is always there when you need them. Your best friend is someone who shares your happiness, suffers through your worries, and lessens your sorrow. As one man said, "A best friend is somebody that you call if you get a flat tire on the expressway at 3:00 a.m., and you have to wait hours for a tow truck. Your friend says, "Tell me exactly where you are, and I ll come and get you:"

A variety of factors can help establish a best friendship, including the age of the people, the situation in which they meet, and how they satisfy each other's needs. But in my study, I found the main themes that define a best friend were remarkably similar for many people.

"Safety" was a word I heard over and over. A best friend makes you feel safe and provides a comfort zone. You never have to explain yourself to best friends because they understand you so well. You can be exactly who you are. You can cry too hard or laugh too loud and never worry about what they'll think. Best friends will give you advice if you want it and

encouragement if you need it, but they will not judge you or make you ashamed of your behavior. A best friend gives you unconditional love. That means complete love, without any limits.

Best friends are loyal and trustworthy. A best friend is a person who you can tell your most embarrassing personal secrets to. You can be sure that your best friend won't repeat your secrets to anyone else. Best friends can also be completely honest with you, but in the most gentle way.





Finally, best friends are the family you choose. They love you because they want to, not because they have to. For many people, a best friend becomes the brother or sister they'd always wanted but never had.

A man I knew asked his dying mother, "What has been the most important thing in your life?" He fully expected her to say her husband, her children, or her family. Instead, without a moment's hesitation, she replied sweetly, "My friends."

What is the passage mainly about?

- 1) How best friends react in times of difficulty
- 2) What the main qualities of best friends are
- 3) Why men and women define best friends in the same way
- 4) Why human beings need to have friends, especially best friends

According to the passage, the information provided in the passage is -----
--.

- 1) based on people's happiness
- 2) someone's belief formed on the basis of an emergency in his life
- 3) a summary of the results of a study which the author of the passage says he did
- 4) not accurate enough because it fails to appreciate the role of family members in people's choice of friends





The quotation from a dying mother mentioned in the last paragraph ---
-----.

- 1) modifies the main theme of the passage
- 2) provides a supporting conclusion for the passage
- 3) is intended to make the reader not take family relations very seriously
- 4) encourages us to pay attention to our family members before it is actually too late

Which of the following words or phrases is defined in the passage?

- 1) Tow truck (Paragraph 1)
- 2) Unconditional love (paragraph 3)
- 3) Embarrassing personal secrets (Paragraph 4)
- 4) Without a moment's hesitation (Paragraph 6)





It was the first day of school and Josh knew it wasn't going to be a good one. It was only 8:10 and he was already running late and had already gotten into a row with his mother. As he ran very fast to catch the bus, he felt bad about leaving his mom still angry. After all, she was right- he should have gotten up when the alarm clock went off. The driver waited just a moment before shutting the bus doors.

Josh froze in his tracks as he watched the bus go away. Now he would have to go back home and not only face his mom, but also ask her for a ride to school. Josh closed his eyes for a moment, then opened them wide (His mom said this makes him calm. He hoped she was doing it, too.) Then he shoved his hands into his pockets and walked back home.

Mom didn't even look shocked to see him when he came back in the door. It was more of a glare. Josh knew what that meant- I told you so. Rather than argue with his mom, he just apologized and sweetly asked for a ride to school. Mom's face softened and she went to get her keys.

Josh knew that his first day of school was not going to be a good one because ----- .

- 1) his mother did not like him
- 2) he did not enjoy going to school
- 3) he had not gotten up early enough for school
- 4) his mother would not agree to take him to school in her car





According to the passage, the bus drive ----- .

- 1) did not stop to pick Josh up
- 2) saw Josh but did not let him in
- 3) thought that Josh did not plan to go to school
- 4) did not wait long enough for Josh to catch the bus

Why did Josh close his eyes after the bus left him alone?

- 1) To bring himself comfort
- 2) To find out what to do next
- 3) To make his mom feel calm
- 4) To imagine what would happen at home

Which of the following best describes his mother's first reaction when she saw him come back home?

- | | |
|------------|-------------|
| 1) Shocked | 2) Angry |
| 3) Anxious | 4) Friendly |





زبان انگلیسی کنکور

پرہام سہدی

WWW.EMKAN.APP





این مجموعه همراه تدریس ویدیویی دوره
آموزشی سامانه امکان می باشد و به تنهایی
قابل استفاده و بهینه نمی باشد

• کلوز تست کنکور





(1) دریافت یک مفهوم کلی از متن
سعی میکنیم کلوز را بدون توجه به جا خالی ها بخوانیم و یک مفهوم
کلی به دست آوریم.

The postal service is the government agency (1) ----- handles the mail. Its job is (2) ----- letters and packages to people and businesses all over the world. Its goal is to see that your mail gets to its destination (3) ----- possible. People (4) ----- the postal service to deliver important letters and even valuables, (5) ----- time and to the right person.

Greenhouse gases are only _____ of the story when it comes to global warming. Changes to one part of the climate system can cause additional changes to the way the planet absorbs or reflects energy.





۲) برقراری ارتباط بین جملات کلوز

نکته مهمی که باید درباره یک کلوز تست در نظر داشته باشیم این است که هر کلوز تست مجموعه ای از جملات منفرد نیست بلکه در واقع مجموعه ای یک دست با جملات مرتبط و هماهنگ است. پس باید در هنگام حل سوالات به این نکته توجه داشته باشیم و در صورت دیدن یک جای خالی ، جملات قبل و بعد از آن را هم در نظر بگیریم.

Greenhouse gases are only _____ of the story when it comes to global warming. Changes to one part of the climate system can cause additional changes to the way the planet absorbs or reflects energy.

- A. part
- B. Whole
- C. Issue

۳)

جایگزینی کلمات مطرح شده در گزینه ها به جای نقطه چین روشی موثر برای پاسخگویی به سوالات کلوز است.

لغات مطرح شده در گزینه ها را یک به یک در جای خالی قرار میدهیم و معنای حاصل را می سنجیم.

نقش کلمات مطرح شده در گزینه ها از نظر گرامری می تواند راه گشا باشد. همچنین باید به همنشینی کلمات مختلف با یکدیگر توجه کنیم.



Little boys are usually active. They do things. Much of the time, little girls sit together and talk. When children grow up, nothing (1)----- changes. Men usually do things together or they talk about activities such as sports and cars. They talk to give or get (2) ----- . But for women, people and feelings are more important. Women often talk to show interest and emotions. (3) ----- a man and a woman speak the same language, sometimes they don't (4) ----- each other. Men's talk and women's talk are almost two (5) ----- languages. But maybe men and women will know each other if they realize the differences in speech.

(1) -----

- | | |
|--------------|---------------|
| 1) may | 2) Previously |
| 3) Anxiously | 4) Really |

(2) -----

- | | |
|----------------|----------------|
| 1) Comparison | 2) Direction |
| 3) Expectation | 4) Information |

(3) -----

- | | |
|--------------|-------------|
| 1) Because | 2) However |
| 3) Therefore | 4) Although |

(4) -----

- | | |
|------------|---------------|
| 1) Predict | 2) Understand |
| 3) Enhance | 4) Ignore |

(5) -----

- 1) Different
- 3) Artificial

- 2) Social
- 4) Extra

Earthquakes are probably one of the most frightening and destructive happenings of nature that man experiences.

The effects of an earthquake are often (1) ----- . Earthquakes have (2) ----- the death of many human beings, much suffering, and great (3) ----- . Today, the study of earthquakes has grown (4) ----- as scientists all over the world study the causes of earthquakes. These records were the first scientific (5) ----- to write down the effects of an earthquake.

(1) -----

- 1) Chemical
- 3) Terrible

- 2) Superior
- 4) Formal

(2) -----

- 1) Provided
- 3) Required

- 2) Caused
- 4) Designed

(3) -----

- 1) Damage
- 3) Impress

- 2) Source
- 4) Variety

(4) -----

- 1) Destructive
- 3) Smoothly

- 2) Distantly
- 4) Greatly

(5) -----

- | | |
|------------|------------|
| 1) Steps | 2) Stances |
| 3) Degrees | 4) Scenes |

Why some very good students often fail exams was recently studied by a professor of psychology. Professor Iris Fodor conducted some (1) ----- on the anxiety of some students before taking exams. He (2) ----- that many students fail exams because they become (3) ----- nervous and can not think. (4) -----, although they have studied hard, they are afraid of whatever is on the exam. Therefore, those who are (5) ----- forget everything they have studied.

(1) -----

- | | |
|-------------|--------------|
| 1) Research | 2) Posture |
| 3) Training | 4) Procedure |

(2) -----

- | | |
|-------------|-------------|
| 1) Enhanced | 2) Rattled |
| 3) Stated | 4) Measured |

(3) -----

- | | |
|-----------|--------------------|
| 1) Softly | 2) Interchangeably |
| 3) Exact | 4) Extremely |

(4) -----

- | | |
|------------|------------|
| 1) Even so | 2) Because |
| 3) Whether | 4) Besides |

(5) -----

1) Rural

2) Useless

3) Nervous

4) Irrelevant

An unemployed person is someone who wants a job but cannot find any. The reasons for this can be (1).....: the person may not be suitable for the job he or she is looking for, the (2)..... or type of course that person is trained in may suffer (3)..... and the person is unemployed again,....., looking for a similar job is that much harder as others (5)..... for the fewer positions available in that line of work.

(1) -----

1) famous

2) various

3) flexible

4) subordinate

(2) -----

1) stance

2) strategy

3) occasion

4) industry



(3) -----

- 1) smoothly
- 2) definitely
- 3) interchangeably
- 3) economically

(4) -----

- 1) moreover
- 2) whatever
- 4) although
- 3) unless

(5) -----

- | | |
|------------|-------------|
| 1) involve | 2) compare |
| 3) compete | 4) evaluate |

